



دایرة المعارف

بازتابی از عالم کبیر

بررسی تحلیلی دایرة المعارف نویسی در ایران و جهان

دکتر مهشید مشیری
دکتر نادر قلی تورچیان

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی

Encyclopedia

A Reflection of Macrocosm

An analytical view to the encyclopedism
in Iran and the world



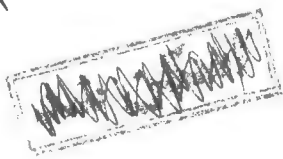
ISBN : 964-5515-32-7

9 789645 515322

شابک : ۹۶۴-۵۵۱۵-۳۲-۷

دکتر مهشید مشیری - دکتر مادر طی ثور

ماترۃ المعارف ، بلژیکس از عالم کبر



٥٩٤٨٨

بسم الله الرحمن الرحيم

اسكن شد



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی

دایرةالمعارف بازتابی از عالم کبیر

بررسی تحلیلی دایرةالمعارف نویسی در ایران و جهان

دکتر مهشید مشیری . دکتر نادرقلی قورچیان

تهران، ۱۳۷۹

کتابخانه
بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی
۱۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی

- * نام کتاب: دایرةالمعارف، بازتابی از عالم کبیر
- * مؤلفان: دکتر مهشید مشیری، دکتر نادرقلی قورچیان
- * ویراستار: دکتر کامبیز بنی هاشمی
- * حروفچین و صفحه‌آرا: مریم وظیفه‌شناس
- * طراح روی جلد: فاطمه رابگانی
- * مدیر فنی چاپ: علی اصغر کریمی
- * ناشر: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی
- * شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- * چاپ اول: ۱۳۷۹
- * شابک: ۹۶۴-۵۵۱۵-۳۲-۷
- * بها: ۱۰۰۰ تومان
- * حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مشیری، مهشید، ۱۳۳۰ -
دایرةالمعارف، بازتابی از عالم کبیر: بررسی تحلیلی دایرةالمعارف‌نویسی در ایران
و جهان / مهشید مشیری، نادرقلی قورچیان. - تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی،
۱۳۷۹
۱۳۰ ص. : مصور، نمودار. - (کتابخانه بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی؛ ۱۵)
ISBN 964-5515-32-7 ریال ۱۰۰۰۰
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف، بازتابی از عالم کبیر.
ص.ع. به انگلیسی: M. Moshiri, N. G. Ghourchian.
Encyclopedia, the reflection of macrocosm: an analytical view to the
encyclopædism in Iran and the world.
۱. دایرةالمعارفها و واژه‌نامه‌ها -
نویسندگی. ۲. دایرةالمعارفها و واژه‌نامه‌ها -
نویسندگی - تاریخ. الف. قورچیان، نادرقلی، ۱۳۳۰ - ب. بنیاد
دانشنامه بزرگ فارسی. ج. عنوان.
PN ۲۳۹/د ۲ م ۵ ۸۰۸/۰۶۶۰۳۹
کتابخانه ملی ایران ۷۳۹۶ - ۷۹ م.

نشانی: تهران - خیابان ولی عصر، روبه روی سهراب زعفرانیه، ساختمان موقوفات دکتر محمودافشار،
شماره ۱۷۵۳.

تلفن: ۲۷۱۷۱۱۷ و ۲۷۰۵۸۴۸ دورنگار: ۲۷۱۱۳۱۱

به استاد احمد بیرشک،
که بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فازی حاصل همت اوست

پیشگفتار

بشر همواره در طول تاریخ، یافته‌ها و آموزه‌های خود را به صورت گوناگون و در قالب مجموعه‌های معرفتی و شناختی به ثبت رسانده است. این مجموعه‌ها، چه به شکل طرحها و نقشهای زغالی بر دیوار غار، کنده‌کاری بر الواح گلین، منقش کردن پوست حیوانات یا نوشتن بر پاپیروس، و چه به شکل کد اعداد بر پیشرفته‌ترین افزارهای الکترونیکی در عصر حاضر، همچون لوح فشرده یا حافظه ابر رایانه‌ها، به واقع بر گرفته از آمال و آرزوها، پندارها و تلقیها، رویدادهای تلخ و شیرین جوامع و در یک کلام تجارب مدون حیات انسانی است، که از یک منظر می‌توان آن را دانش سازمان یافته هر قوم در هر عصر و شناسنامه ملل و نحل مختلف دانست ... و به این تعبیر، گردآوری و ضبط این یافته‌ها در دایرةالمعارف، حفظ میراث تاریخی، فرهنگی و علمی آدمی و شناخت آن دریچه‌ای به اعماق ذهن بشر است. جهان امروز نیز در سیر تطور و

تحول تمدن خود به چنان رشدی دست یافته است که این دانش سازمان یافته، دیگر حد و مرزی نمی شناسد و ذهن خلاق آدمی هر روز رمزی از رموز و پیچیدگیهای خلقت را بر خود می گشاید تا با باور خلیفة اللهی، به دیده تحسین به تماشای دلدار نشیند.

جامعه جوان و پر تلاش میهن نیز با همین باور الهی، در موج عظیم میل به دانستن قرار دارد و این نکته یادآور تعهدی است که به یکایک افراد جامعه داریم. کتاب حاضر تلاشی است هر چند کوچک در ادای بخشی از این دین به فرزندان سرفراز جمهوری اسلامی ایران، که به سیر تحول و تطور یکی از اصلی ترین مجموعه های معرفتی، یعنی دایرةالمعارفها می پردازد. امید که مقبول نظر صاحب نظران افتد.

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۷	فصل یکم - دایرةالمعارف نویسی در جهان
۱۸	دوره نخست: عصر آینه های امپراتور
۲۳	دوره دوم: عصر روشنگری
۳۷	دوره سوم: عصر نگرش علمی
۵۶	دوره چهارم: عصر نسل دانش و آگاهی
۶۳	فصل دوم - دایرةالمعارف نویسی در ایران
۶۶	دوره نخست: عصر دایرةالمعارف نویسان بحر العلوم
۸۳	دوره دوم: عصر آشنایی با غرب
۸۹	دوره سوم: عصر دانشنامه نویسی علمی فارسی
۹۵	فصل سوم - دانشنامه بزرگ فارسی
۱۰۹	یادداشتها
۱۱۹	منابع

مقدمه

در زبان فارسی سه واژه «آنسیکلوپدی»، «دایرةالمعارف» و «دانشنامه» بر «مفهوم» ی واحد دلالت می‌کنند:

آنسیکلوپدی^۱، وام گرفته از زبان فرانسه است که آن را مانند خود فرانسویها تلفظ می‌کنیم [انگلیسیها آن را اینسایکله‌پدیا تلفظ می‌کنند و به صورت encyclop(a)edia می‌نویسند]. این واژه مأخوذ از یونانی egkúklospaideiā [آنکوکلوس (دایره) + پائیدیا (معارف)]، به معنی «دایرة دانش یا معرفت» است. پائیدیا «païs» در اصل یعنی «پسر بچه» و از نظر فقه‌اللغه و ریشه‌شناسی شاید بتوان چنین تعبیر کرد که در یونان باستان، اسیرانی به ملازمت کودکان در مسیر خانه و مدرسه گمارده می‌شدند. تعلیم و تربیت این کودکان بتدریج به اسیران فرهیخته‌تر یا پداگوگوس‌ها^۲ (paedo- «پسر بچه» agógos + «رهبر») سپرده شد. بنابراین «پائیدیا» که در واژه‌هایی چون پدولوژی^۳ «کودک‌شناسی»، و پدوفیلی^۴ «بچه دوستی، بچه‌بازی» به معنی «بچه و کودک» آمده است، کم‌کم معنی

«تعلیم به کودک» را گرفته و سپس در پداگوژی^۵ و آنسیکلوپدی به معنی کلی «تعلیم» به کار رفته است. آنسیکلوپدی که معنی امروزی آن «مجموعه شناخته‌های بشر در طی قرون و اعصار» است، در اصل به معنی «مجموعه تعلیمات عمومی» یا «دایرة کامل آموزش» به کار می‌رفته است و زمانی که فرانسوا رابله^۶ در ۱۵۳۲ میلادی این اصطلاح را در فصل بیستم «پانتاگروئل» (عملیات و دلاوریهای هراس‌انگیز و محیرالعقول پانتاگروئل مشهور)^۷ به کار برد، به مفاهیم آموزشی نظر داشت.

بسیاری از آنسیکلوپدی‌هایی که در آغاز نوشته می‌شدند، نامهایی چون «باغ تفرج»^۸ یا نام ساده «دیکسیونر»^۹ (قاموس) را بر خود داشتند. در واقع واژه «دیکسیونر» نام کلی تمام آنسیکلوپدیها بود. با این حال، سایکلوپدیا^{۱۰} نیز به عنوان کلمه بدیل به کار می‌رفت.

کلمه یونانی آنسیکلوپدی را که به صورتهای متأثر از نظامهای خاص خطی و آوایی، به بسیاری از زبانها راه یافته است^{۱۱}، نخستین بار پل اسکالیش^{۱۲} نویسنده آلمانی در ۱۵۵۹ میلادی برای توصیف دایرةالمعارف به کار برد که با عنوان «آنسیکلوپدی، یا شناخت جهان علوم، اعم از الهی یا کفرآمیز، ...»^{۱۳} نوشته بود. ولی پیشگامی اسکالیش در کاربرد واژه آنسیکلوپدی به جای «دیکسیونر» تا پیش از انتشار «آنسیکلوپدی»، اثر دیدرو پذیرفته نشد.

دایرةالمعارف را بُطرس بستانی، دانشمند لبنانی (۱۸۸۳-۱۸۱۹ م.) از واژه «آنسیکلوپدی» گرفته‌برداری کرد و کتابی را که در دست تدوین

داشت «دایرة المعارف» نامید.

دانشنامه را نخستین بار، عبدالواحد جوزجانی در قرن پنجم هجری به کار برد. وی این واژه را به کتابی اطلاق کرد که ابن سینا به خواهش علاءالدوله کاکویه، حکمران دیلمی اصفهان به فارسی نوشته بود. جوزجانی کتاب ابن سینا را «دانشنامهٔ علایی» نام گذاشت.

به هر حال آنسیکلوپدی، دایرة المعارف، و یا دانشنامه، کتاب مرجعی است که به منظور پر کردن بخشی از خلأ معلوماتی عامه و پاسخگویی به نیاز اطلاعاتی جامعه تدوین می شود و در آن معارف بشری را با توجه به تقسیم بندی کلی علوم در هر دوره، به گونه ای گرد می آورند که همواره گنجاندن علوم و معارف جدید در آن مقدور است.

در کتاب حاضر بر اساس مطالعه تطبیقی و تحلیل سیر تطوّر دایرة المعارفهای عمومی جهان و ایران در طول زمان، تصویری از روند تحولات دایرة المعارف نویسی از آغاز تا به امروز ارائه شده است*.

باید توجه داشت که تحولات فوق الذکر معلول بسیاری عوامل کلان و خرد است. شیوه های حکومتی، رویکردهای اجتماعی، فضای سیاسی و تعامل و تقابل جوامع جهانی در گروه عوامل کلان جای می گیرند. در گروه عوامل خرد نیز نگرشها و برداشتها، شیوه طبقه بندی علوم، تأثیرپذیری از دیگر دایرة المعارفها، گرایش مخاطبان، هدف دانشنامه نویس از تلاش در این راه، امکانات و محدودیتهایش، نوآوریها و خلاقیتهايش و محافظه کاریها یا جسارتش در سنت شکنی، همه در محتوا و ساختار

ظاهری دایرةالمعارف نقش دارند. جمع‌بندی تمام این عوامل در دیدگاه ما نوعی طبقه‌بندی را تداعی می‌کند که کتاب بر اساس آن تنظیم شده است:

در فصل یکم، دایرةالمعارف‌نویسی جهان در چهار دوره تاریخی با عنوانهای «عصر آینه‌های امپراتور»، «عصر روشنگری»، «عصر نگرشهای علمی» و «عصر نسل دانش و آگاهی» بررسی می‌شود.

در فصل دوم با توجه به قالب و محتوا و خصوصیات دایرةالمعارفهای فارسی، تاریخ دایرةالمعارف‌نویسی ایران در سه دوره طبقه‌بندی و بررسی می‌شود که عبارتند از «عصر دایرةالمعارف‌نویسان بحرالعلوم»، «عصر آشنایی با دایرةالمعارف‌نویسی غربی» و «عصر دایرةالمعارف‌نویسی علمی».

فصل سوم این کتاب نیز به معرفی دایرةالمعارف یا دانشنامه‌ای اختصاص دارد که تدوین آن، هدف اصلی بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی را رقم می‌زند. دایرةالمعارفی که با این باور تدوین می‌شود که ضمن برآوری نیاز ارتباطی و اطلاعاتی جامعه، از سویی بازتاب جهان‌بینی نشأت گرفته از باورهای فرهنگی، اسلامی و عرفانی این مرز و بوم باشد و از سوی دیگر در تحکیم و بقای فرهنگ و تمدنمان که معتبرترین جلوه‌های قومی، ملی و دینی ماست، مؤثر افتد.

* گرایش بنیاد در تاریخ‌نگاری، ضبط وقایع به تاریخ ایرانی است که به کمک روش ابتکاری استاد احمد بیرشک صورت می‌گیرد. جدول مطابقت تاریخها در انتهای کتاب ارائه شده است.

فصل یکم

دایرةالمعارف نویسی در جهان

دایرةالمعارف نویسی در جهان

تاریخ دانشنامه نویسی جهان را می توان به چهار دوره تقسیم کرد:

الف. دوره نخست، عصر آینه های امپراتور (از آغاز تا قرن هفدهم میلادی)

ب. دوره دوم، عصر روشنگری (از قرن هفدهم تا پایان قرن نوزدهم)

ج. دوره سوم، عصر نگرش های علمی (قرن بیستم)

د. دوره چهارم، عصر نسل دانش و آگاهی (قرن بیست و یکم)

دانشنامه های هر دوره از نظر محتوا با دانشنامه های دوره های دیگر فرق دارند. مثلاً در دانشنامه های فرانسوی، درباره هر موضوع، معمولاً رساله هایی به قلم نویسندگان مطرح نوشته شده است و خواننده این رساله ها می تواند خود در مورد آنها قضاوت کند. و نیز وبستر در مجموع بسیار موجز و فشرده است و در تدوین آن سعی بر القای مفاهیم به کمک تصویر و نمودارهای توضیحی است. لذا وبستر، از این نظر به فرهنگ های دانشنامگی امروزی شباهت دارد. در بریتانیکا نیز کوشش بر ارائه ترکیبی

از دانش، همراه با ارزیابی آن دانش در دنیای امروز است.

دوره نخست: عصر آینه‌های امپراتور

این دوره را از آن جهت عصر «آینه‌های امپراتور» نامیده‌ایم که در آن، دایرةالمعارفها معمولاً با حمایت و به فرمایش امپراتوران، امیران و حکام نوشته می‌شدند. مثلاً در چین، بسیاری از دایرةالمعارفهای کلاسیک مدیون امپراتوران است. در غرب، پلینی^{۱۲} (۷۹-۲۳ م.) کتاب تاریخ طبیعی^{۱۵} سی و هفت جلدی خود را به تیتوس^{۱۶} امپراتور سخاوتمند و محبوب رومی (۸۱-۳۹ م.) هدیه می‌کند؛ ژولیوس پولوکس^{۱۷} کتاب «اونوماستیکون»^{۱۸} را به کومودوس^{۱۹} (۱۶۱-۹۲ م.)، شاگرد پیشینش تقدیم می‌کند؛ سن ایزیدور^{۲۰} (۶۳۶-۵۶۰ م.) اسقف شهر سوی^{۲۱} در اسپانیا دایرةالمعارف خود را به سی سه بوت^{۲۲} پادشاه ویزیگوتی پیشکش می‌کند؛ ... و «آینه بزرگ»^{۲۳} اثر ونسان دوبوه^{۲۴} با حمایت لویی نهم پادشاه فرانسه به ثمر می‌نشیند.

برخی از پادشاهان نیز خود، سرپرستی تدوین دایرةالمعارف را به عهده داشته‌اند. مثلاً کنستانتین هفتم^{۲۵}، امپراتور روم شرقی مسؤول یک رشته دایرةالمعارف بود و آلفونس دهم^{۲۶}، پادشاه اسپانیا کتاب «تاریخ کبیر و عمومی»^{۲۷} را شخصاً بنیانگذاری کرد.

این دوره که می‌توان آن را عصر «باغهای تفرج» و «عصر دایرةالمعارف‌گونه‌ها» نیز نامید، از قرن چهارم قبل از میلاد آغاز

می شود و تا اوایل قرن هفدهم ادامه می یابد.

قدیمی ترین دایرةالمعارفی که می شناسیم کتابی بوده درباره تاریخ طبیعی، ریاضی، و فلسفه که از تعالیم افلاطون نشأت گرفته بوده است و تنها بخش کوچکی از آن در دست است. کتاب به اسپئوسیپوس^{۲۸} (متوفی به سال ۳۳۹ ق.م.)، خواهرزاده افلاطون تعلق داشته است. به این ترتیب اسپئوسیپوس، و در واقع افلاطون را می توان پایه گذاران دایرةالمعارف در جهان دانست. هرچند که برخی معتقدند آن زمان که ارسطو در «لیسه» قدم می زد و شاگردانش را تعلیم می داد، در واقع در پی دسته بندی دانشها و معارف بشری بود، پس باید او را بدعتگذار دایرةالمعارف نویسی دانست.

همچنین گفته اند که اولین دایرةالمعارف جهان، کتاب «Præcepta ad filium» است که در قرن دوم قبل از میلاد به قلم مارکوس پورسیوس کاتو^{۲۹} (۲۳۴-۱۴۹ ق.م.) سیاستمدار محافظه کار رومی نوشته شده است.

به هر حال در این دوره نگارش همه دایرةالمعارفها به زبان لاتین است و دایرةالمعارف نویسان هنوز در مورد محتوای دایرةالمعارفها اتفاق نظر ندارند، ولی گرایش کلی این است که ضبط دانشها را از «آفرینش» آغاز کنند و آنقدر بنویسند تا بتدریج نوبت به کوچکترین و کم اهمیت ترین مخلوقات خدا برسد، هرچند که خوب می دانند این تقسیم بندی بسیار مشکل و حتی غیرعلمی است.

در قرنهای پنجم و ششم تا قرنهای دوازدهم و سیزدهم پس از میلاد، مسیحیت بر روند و شیوه نگارش دایرةالمعارفهای غربی تأثیر بسیار داشته است. همانگونه که اسلام نیز چنین تأثیری را بر دایرةالمعارفهای عربی داشته است. اصولاً در محتوای همه دایرةالمعارفهای دوره نخست، مذهب به طرز چشمگیری جلوه گری می کند. کاسیودوروس^{۳۰} (حدود ۵۸۰-۴۹۰ م.) نویسنده پرکار و راهب و سیاستمدار رومی، کتاب «نهادها»^{۳۱} را با کلیسا و کتابهای مقدس آغاز می کند و بی آنکه به علمی چون هندسه و حساب چندان توجهی کند، فقط به طور گذرا به مسائل زمین شناسی اشاره می کند. وی معارف را در دو بخش الهی و بشری طبقه بندی می کند و دانشهایی چون هنرهای آزاد و پزشکی را در بخش الهی قرار می دهد.

در دایرةالمعارفهای این دوره مسائلی چون پیشگوییهای آسمانی و جادوگری نیز به چشم می خورد. ولی پس از ۱۱۲۰ میلادی چنین موضوعاتی بتدریج از دایرةالمعارفها محو می شود.

در آغاز همین دوره است که مارکوس ترنتیوس وارو^{۳۲} (۱۱۶-۲۷ ق. م.) طلبه و نویسنده رومی، «دایرةالمعارف هنرهای آزاد»^{۳۳} را در نه کتاب درباره موضوعات دستور، دیالکتیک (احتجاجات)، بدیع، هندسه، حساب، نجوم، موسیقی، پزشکی، و معماری تألیف می کند. پلینی طلبه رومی با استفاده از ۱۴۶ کتاب رومی و ۳۲۷ منبع یونانی، کتاب سی و هفت جلدی «تاریخ طبیعی» را در ۷۹ میلادی می نویسد. این

کتاب که می توان آن را دایرةالمعارف علوم طبیعی به شمار آورد، در ۲۴۹۳ فصل و با توجه به اختصاصات زندگی انسان نوشته شده است و حاوی مطالبی چون جغرافیا، طب، تاریخ هنر، ریاضیات، توصیف فیزیکی جهان، مردم شناسی، روان شناسی، گیاه شناسی (کشاورزی و باغبانی)، بیطاری و معدن شناسی (فلزات و سنگهای قیمتی) است. کتاب تاریخ طبیعی پلینی تا چندین قرن پس از او به عنوان یکی از کتابهای معتبر و در زمره منابع عمده و مهم دایرةالمعارف نویسی به شمار آمده است. در این دوره است که سالومون^{۳۴} (قرن چهارم میلادی) «قاموس جهان»^{۳۵} را می نویسد. وی نخستین کسی است که کلمه «دیکسیونر» را به معنی «آنسیکلوپدی» به کار می برد.

در قرن پنجم میلادی، مارتیانوس کاپلا^{۳۶} «ساتیریکون»^{۳۷} را می نویسد. این کتاب دایرةالمعارف گونه، با هدف آموزش علم و معرفت تدوین شده است و هنرهای هفتگانه آزاد (دستور زبان، دیالکتیک، بدیع، نجوم، حساب، و موسیقی) را در بر می گیرد و سرشار از تمثیلهایی به شعر و نثر است. «ساتیریکون» در قرون وسطی، کتاب درسی بوده است.

در این دوره، سنت ایزیدور دایرةالمعارفی کمابیش کامل را با عنوان «بیست کتاب درباره اصول یا ریشه شناسی»^{۳۸} تألیف می کند. وی در این بیست کتاب، موضوعاتی چون هنرهای آزاد، کشاورزی و پزشکی را در اولویت قرار می دهد و سپس به تورات و کلیسا می پردازد. توجه ایزیدور در این بیست کتاب، عمدتاً به مطالبی چون پزشکی، جانوران، زمین،

کتاب مقدس عهد عتیق، دستور زبان، جنگ، بازیها، کشتی، و ساختمان معطوف است. کتاب دهم این مجموعه به فقه اللغة اختصاص دارد و براساس حروف الفبا تنظیم شده است. کتاب ایزیدور در قرن نهم به همت اسقف شهر ماینز، رابانوس موروس^{۳۹}، با نظمی جدید در بیست و دو کتاب تنظیم و در ۸۴۷ میلادی به لوئیس، پادشاه باواریا تقدیم می شود. آرایش و تنظیم جدید کتاب ایزیدور که با مطالبی درباره خدا و فرشتگان آغاز می شود، تا مدتها به عنوان نمونه ای مطلوب و روشمند در سنت دایرةالمعارف نویسی به کار رفته است. چاپ اول کتاب در ۱۴۷۳ میلادی بوده است.

دایرةالمعارف نویسان ایرانی نیز خاصه در تنظیم مطالب دایرةالمعارفها، روش و سلیقه خاصی را اعمال می کردند و برای مثال، همان طور که در بخش دوم این کتاب خواهیم دید، خوارزمی (وفات بین ۲۲۰ تا ۲۳۲ ه.ق) «مفاتیح العلوم» را با علوم عرب آغاز می کند و سپس به علوم یونانیها و ملتهای دیگر می پردازد. فارابی نیز در «احصاء العلوم»، معارف و علوم بشری را ذیل پنج عنوان طبقه بندی می کند و طبقه بندی او بیشتر ناظر به علوم عقلی است.

در قرون وسطی «آینه بزرگ»، تألیف ونسان دوبووه دانشمند فرانسوی (قرن سیزدهم میلادی) به سه بخش طبیعت (خدا، آفرینش، آدمی)، آموزش (زبان، اخلاق، حرفه ها، پزشکی)، و تاریخ جهان تقسیم می شود. دوبووه در این کتاب از ذکر افسانه های مسیحی کفرآمیز، که در

آن زمان محبوبیت عام داشته است، پرهیز می‌کند. در واقع او در زمره اندک کسانی است که می‌کوشیده است آنچه را که نباید در دایرةالمعارف ضبط کرد از آنچه باید ضبط شود بازشناسی کند و چنین است درباره دایرةالمعارف نویسی نوین که به حکم آزاداندیشی علمی، دایرةالمعارف نویسان فارغ از وسوسه و تعصب به تفکیک شایسته‌ها و ناشایسته‌ها می‌پردازند.

اولین فرهنگ دایرةالمعارفی این دوره، «واژگان سوئیداس»^{۴۰} است که مؤلفی ناشناس آن را آخر قرن دهم یا ابتدای قرن یازدهم میلادی، نگاشته است. اهمیت این کتاب در ارائه اطلاعات واژگان‌شناختی و کتاب‌شناختی مفید درباره نویسندگان آن عصر، و نیز کتابهایی است که اکنون اثری از آنها باقی نیست.

فرهنگ دایرةالمعارفی در واقع پلی است بین فرهنگ و دایرةالمعارف و ویژگیهای اساسی هر دو را در بردارد. به این معنی که هم مدخلهای متنوع دارد و هم برای هر مدخل توضیحات موجز ارائه می‌کند.

دوره دوم: عصر روشنگری

این عصر از ابتدای قرن هفدهم آغاز می‌شود و تا اواخر قرن نوزدهم ادامه می‌یابد.

در مجموع تا قرن هفدهم میلادی، دایرةالمعارف نویسان هنوز در طبقه‌بندی منطقی معارف بشری سرگشته‌اند و درباره الگو و محتوای

دایرةالمعارفها اتفاق نظر ندارند. بعضی ابتدا به «الهیات» می‌پردازند و برخی اولویت را به مطالب دیگر می‌دهند؛ بعضی افسانه‌های دینی و غیردینی را ذکر می‌کنند و بعضی ذکر این افسانه‌ها را بی‌مورد می‌دانند؛ بعضی زندگینامه دانشمندانِ زمان خود، اعم از زنده و مرده را ضبط می‌کنند و بعضی معتقدند که نباید زندگینامه دانشمندانی را که در قید حیاتند، ضبط کرد.

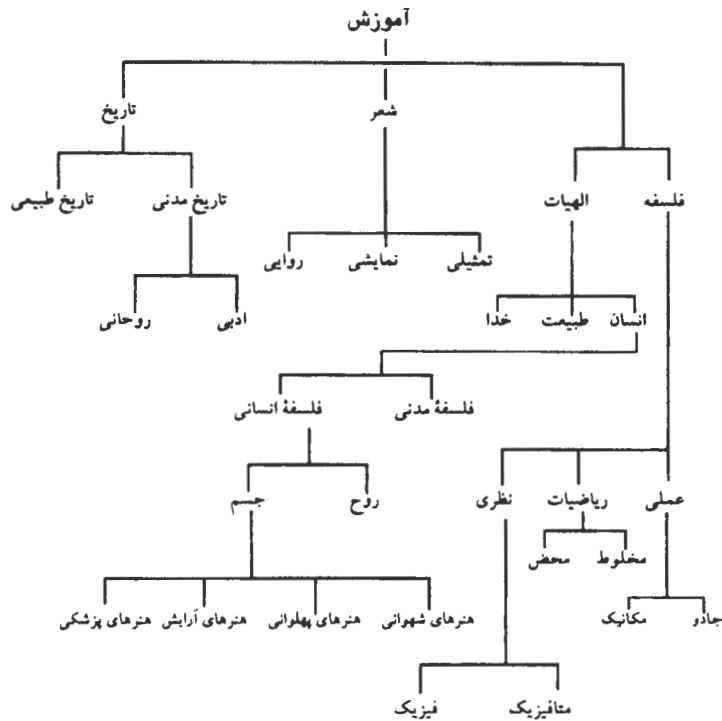
نقطه عطف طبقه‌بندی معارف بشر، طرح فرانسیس بیکن^{۴۱} (۱۶۲۵-۱۵۶۱ م.) در کتاب «احیاءالعلوم کبیر»^{۴۲} است. هدف بیکن از نگارش کتاب، احیا و تجدید بنای فلسفه و بنیانگذاری فلسفه جدید یا به قول خود او «فلسفه فعال» بود. هر چند فقط قسمت کوچکی از این کتاب عظیم کامل شد، ولی قصد این فیلسوف تجربی مسلک انگلیسی، در واقع اصلاح علوم و معارف بشری و تدوین یک دایرةالمعارف علمی بوده است.

بیکن محتوای دایرةالمعارف را به سه بخش تقسیم کرده بود:

الف. طبیعت؛ شامل موضوعاتی چون نجوم، آثار جوشناسی [یا هواشناسی]، جغرافی و گونه‌هایی از کانیها، رُستنیها و جانوران.
ب. انسان شامل کالبدشناسی، شناخت وظایف اندامها [فیزیولوژی]، ساختار و نیروها و کردارها.

ج. تأثیر انسان بر طبیعت، شامل پزشکی، شیمی، هنرهای دیداری، حواس، عواطف، استعدادهای فکری، معماری، حمل و نقل، چاپ،

کشاورزی، دریانوردی، حساب.

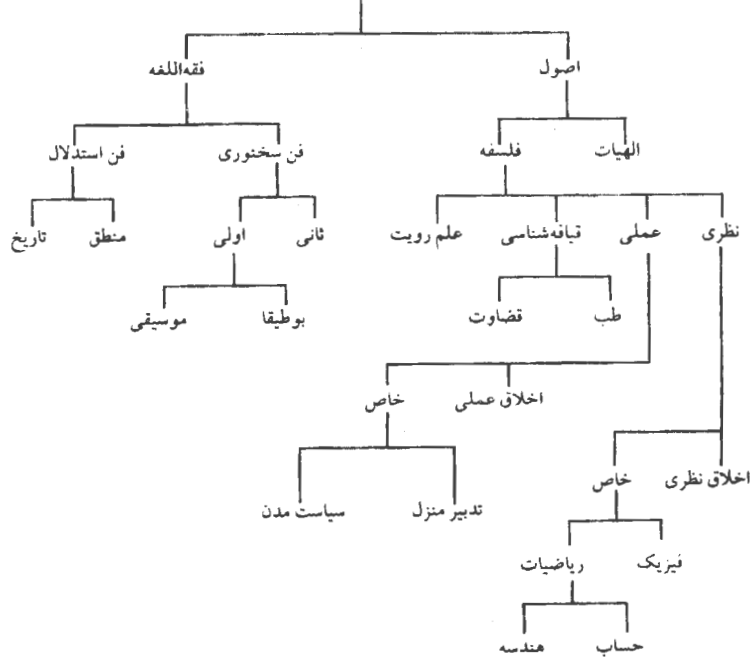


طبقه‌بندی معارف و علوم از دیدگاه بیکن

به عقیده بیکن، دایرةالمعارف نویس باید بر چشم‌اندازی کلی از معارف بشر مسلط باشد تا به لغزشهای تفکر و حذفها و افزودنیهایی که زاییده سوگیری ذهن و قلم بشر است، دچار نشود. در مجموع، طبقه‌بندی روشمندی که بیکن از معارف به دست داد، موجب شد که تدوین دایرةالمعارفها به صورت نظام‌مندتری طرح‌ریزی شود. البته طبقه‌بندی

بیکن شباهت زیاد به طبقه‌بندی برن ماتیاس مارتینی^{۲۳} در کتاب «اندیشه روشمند»^{۲۴} (۱۶۰۶ م.) داشت. بیکن کتاب ماتیاس مارتینی را ندیده بود ولی ظاهراً این دو دانشمند، از افکار افلاطون تأثیر پذیرفته بودند.

هنرهای آزادگان



طبقه‌بندی معارف و علوم از دیدگاه ماتیاس مارتینی

پس از ماتیاس، آنتونیو زارا^{۴۵} دایرةالمعارف دیگری نیز به زبان لاتین و به نام «دایرةالمعارف کالبدشناسی هنرها و علوم»^{۴۶} (۱۶۱۴ م.) تألیف کرد که طبقه‌بندی نظام‌مند داشت. اهمیت اثر زارا در الحاق فهرست الفبایی-ارجاعی یا نمایه به کتاب است.

آخرین دایرةالمعارف لاتین با تنظیم الفبایی، «دایرةالمعارف»^{۲۷} (۱۶۳۰ م.) اثر یوهان هاینریش آلتستد^{۲۸}، فیلسوف و روحانی پروتستان آلمانی است. طبقه‌بندی این دایرةالمعارف شباهت بسیاری به کتاب ماتیاس دارد.

در ۱۶۷۴ میلادی کشیش فرانسوی، لویی مورری^{۲۹} برای طبقه‌بندی «فرهنگ بزرگ تاریخی»^{۳۰} که خصوصاً از نظر مباحث جغرافیایی و زیست‌شناسی غنی است، روش الفبایی را برمی‌گزیند و کتاب را به زبان فرانسه تألیف می‌کند. اقبال عامه نسبت به این کتاب بیانگر آن است که کاربرد زبان بومی و نیز نظم الفبایی در موفقیت دایرةالمعارفها بسیار مؤثر است.

پی‌یر بیئل^{۳۱} نیز در تدوین «فرهنگ تاریخی و انتقادی»^{۳۲} (۱۶۹۷-۱۶۹۶ م.) همان روش مورری را به کار می‌بندد. اصولاً قرن هجدهم میلادی آغاز آثار دایرةالمعارفی کاملتر به روش الفبایی است. کتاب انگلیسی «سایکلوپدیا»^{۳۳}، یا «فرهنگ هنرها و علوم» (۱۷۲۷ م.) را افرایم چمبرز^{۳۴} در همین قرن با آرایش روشمند و نیز نظام دقیق و کارآمد ارجاعات متقاطع تألیف می‌کند. این کتاب شامل ۱۶۶ جلد و ۴۰ اتلس و لوح^{۳۵} است که هر مجلد به رشته خاصی از معارف اختصاص دارد.

در این دوره است که دنی دیدرو^{۳۶} (۱۷۸۴-۱۷۱۳ م.)، ۱۳۰ سال پس از بیکن، طبقه‌بندی او را به رسمیت می‌شناسد و با ارائه این تعریف که «دایرةالمعارف زنجیره‌ای از شناخت است»، «دایرةالمعارف» خود را که

از شاخصهای دورهٔ روشنگری و نیز معروفترین اثر فرانسوی در قرن هجدهم میلادی است، با عنوان «آنسیکلوپدی یا فرهنگ مستدل علوم و هنرها و حرفه‌ها»^{۵۷} بر مبنای نگرش بیکن از معارف بشری استوار می‌سازد.

دنی دیدرو و ژان لورون د-الامبر^{۵۸} (۱۷۸۳-۱۷۱۷ م.) در واقع اساس نخستین الگوی دایرةالمعارفی دانش بشر را که نویسندهٔ ایتالیایی و معلم دانسته، بروتولاتینی^{۵۹} (۱۲۹۷-۱۲۲۰ م.) و فیلسوف ایتالیایی، پیکودولامیراندولا^{۶۰} (۱۴۹۴-۱۴۶۳ م.) پیشنهاد کرده بودند، در هم می‌شکنند. بروتولاتینی و پیکودولامیراندولا معتقد بودند که از آنجا که جهان کروی و محدود است و تفکر آینهٔ وجود است، پس می‌توان کل دانش بشری را نیز کروی و محدود فرض کرد. ولی دیدرو و د-الامبر چنین استدلال می‌کردند که دیگر پیشرفت علوم در بچهٔ تصور بشر را به سوی جهان بی‌مرز گشوده است و دانش بشر نیز بی‌حد و بی‌مرز است. به اعتقاد این دو، دایرةالمعارف به جای آن که آینه‌ای از کرهٔ معارف باشد، مجموعهٔ آموخته‌های آدمی است که به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. به نظر دیدرو با گسترش روزافزون دانش، ضرورت انتقال آن بیش از پیش احساس می‌شود و دانش را باید در اختیار همگان قرار داد. وی با چنین نگرشی در ۱۶ اکتبر ۱۷۴۷ سرنوشت دایرةالمعارفی را که قرار بود ترجمهٔ فرانسوی «سایکلوپدیا» اثر چمبرز باشد، تغییر می‌دهد و سرپرستی طرح تدوین دایرةالمعارفی را به عهده می‌گیرد که

فرانسوالوبرتون^{۶۱}، ناشر فرانسوی در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۷۴۶ به آبه گوادومالو^{۶۲} سپرده بود. طرح «آنسیکلوپدی» در سال ۱۷۵۰ میلادی با اعلامیه دیدرو رسمیت پیدا می کند و به این ترتیب روح جدیدی به دانشنامه نویسی جهان دمیده می شود. پروانه شاهی نشر که برای ترجمه کتاب چمبرز اخذ شده بود به «آنسیکلوپدی» اختصاص می یابد. دیدرو حجم آنسیکلوپدی را هشت جلد مطلب و دو جلد نگاره (کلیشه) پیش بینی می کند. در آغاز، پنجاه و پنج همکار دست به کار نگارش می شوند. بسیاری از دانشمندان معاصر دیدرو که کمابیش در علم و حکمت با او هم مشرب بودند به یاریش می شتابند. جمع «یاران آنسیکلوپدی» (یا اصحاب دایرةالمعارف) با حضور ولتر^{۶۳}، منتسکیو^{۶۴}، کنت دو بوفون^{۶۵}، ژان ژاک روسو^{۶۶} نویسنده و فیلسوف سوئیسی، لویی ژان ماری دوباتتون^{۶۷}، پل آنری اولباک^{۶۸}، شوالیه لویی دو ژوکور^{۶۹} و بسیاری دیگر از سرشناسان آن عصر شکل می گیرد. خصوصیت بارز یاران آنسیکلوپدی، جانبداری از علوم و افکار جدید است. آنان نسبت به پژوهشهای حکمای پیشین کم اعتقاد، بلکه بی اعتقادند و به شیوه مشاهده و تجربه و نقادی معتقدات گذشتگان، خاصه در امور روحانیت تکیه دارند. با حبس دیدرو در زندان ونسن^{۷۰} به دلیل انتشار «نامه ای در باب نابینایان برای استفاده آنان که می بینند»^{۷۱} (۱۷۴۹ م.)، توجه مخالفان به روح نوین گرایانه «آنسیکلوپدی» معطوف می شود و عناد با چاپ و انتشار آن شدت می گیرد. موج شکایتهای مذهبیان به سوی شاه روان می شود و

فریاد اعتراض علیه آنسیکلوپدی بالا می‌گیرد. دیدرو پس از آزاد شدن از زندان تمام وقت خود را صرف «آنسیکلوپدی» می‌کند. جلد اول در ۲۸ ژوئن ۱۷۵۱ میلادی با ۹۱۴ صفحه دو ستونی با قطع رحلی به چاپ می‌رسد و به کنت دارژانسون^{۷۲}، وزیر کشور و جنگ تقدیم می‌شود. یک ماه پس از انتشار جلد دوم (ژانویه ۱۷۵۱ م.) کار تدوین کتاب ممنوع می‌شود. با این حال جلد سوم در نوامبر ۱۷۵۳، جلد چهارم در اکتبر ۱۷۵۴، جلد پنجم در نوامبر ۱۷۵۷، و جلد ششم مه ۱۷۵۶ میلادی به چاپ می‌رسد. دیدرو برای جلد هفتم که در نوامبر ۱۷۵۷ منتشر می‌شود مقاله بلند و مبسوطی با عنوان «دایرةالمعارف» می‌نویسد که در واقع زندگینامه «آنسیکلوپدی» است. او در این مقاله همه پستی و بلندیهایی تدوین این کتاب را بر می‌شمارد.

گفتار حکیمانه، منطقی، روشن، موجز، دقیق و شیوایی که د-الامبر در چگونگی علم برای دیباچه «آنسیکلوپدی» تدوین کرده است، خود کتابی معتبر است. د-الامبر به پیروی از بیکن دانش بشری را با توجه به پیوندی که با قوای ذهن دارد به شاخه‌هایی تقسیم می‌کند. دایرة معارف در «آنسیکلوپدی» (یا فرهنگ مستدل علوم، هنرها و حرفه‌ها) به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند به «انسان صدیق»^{۷۳} و صاحبان حِرَف قرن هجدهم آموزش دهد. به عبارت دیگر «آنسیکلوپدی» جنگ دانش و معارف است. جنگ علم، ادب، شعر، هنرهای زیبا، هنرهای آزاد، علم‌الحیل، و جنگ حرفه‌هاست.

«آنسیکلوپدی» در واقع آینه اندیشه‌های فلسفی بیکن، دکارت، هابز، لاک، بارکلی، اسپینوزا، بل، لایبنیتز و افکار علمی کوپرنیک، سالیوس، کپلر، گالیله، نیوتون و ... است. «آنسیکلوپدی» در عین حال که الفبایی است، بر اساس طبقه‌بندی بیکن تنظیم شده است و به عبارت دیگر «مستدل» است و در تدوین آن کوشش شده است که با سیستم ارجاعی خاص، خلأ بین معارف و علوم و هنرهای گوناگون پر شود و مقاله‌ها با زنجیر استدلال به یکدیگر مربوط شوند. دیدرو، خود روزهای بسیار برای آموختن حرفه‌ها و هنرها و صنایع گوناگون به کشتزارها، کارگاهها و کارخانه‌ها سر می‌زند، به دکان پیشه‌وران و هنروران و صنعتگران می‌رود و شبهای دراز تا سحرگاهان آموخته‌های خود را برای درج در آنسیکلوپدی تدوین می‌کند. او با عزم استوار و پشتکار، کتاب را در انزوا و به‌طور پنهانی به چاپ می‌رساند. سرانجام کتاب در ۱۷ جلد با قطع رحلی و ۲ جلد تصویر پس از ۲۱ سال تلاش در ۱۷۷۲ میلادی به پایان می‌رسد. مقاله‌های فولاد، کشاورزی، سوزن، مفرغ، ماشین مته، پیراهن، کفش، جوراب، نان، فلسفه و نوانخانه را، دیدرو برای «آنسیکلوپدی» می‌نگارد. او در مقاله «نوانخانه» می‌نویسد: «جلوگیری از بینوایی بهتر از ساختن پناهگاههای بیشتر برای بینوایان است». آبه ایون^{۷۴} مقاله «ملحدان» را می‌نویسد و از «متافیزیک» می‌گوید. اسقف مورله^{۷۵} از الهیات سخن می‌راند. منتسکیو روح «روح القوانين»^{۷۶} را در «آنسیکلوپدی» می‌دماند؛ روسو به هیأت همان نویسنده شاعر مسلک، مصنف امیل، در

«آنسیکلویدی» قلم می‌زند؛ ولتر مقاله «آتش»، «نیرو»، «بت‌پرستی»، «فرانسویان»، «هوش» و «ذوق» را می‌نویسد و در میدان «فصاحت» می‌تازد. لویی دو ژوکور مقاله «دولت» را می‌نویسد و از «آزادی» به عنوان گرانبهاترین موهبتی سخن می‌گوید که خداوند به انسان ارزانی داشته است و می‌گوید بدون آزادی نیکبختی از کشور رخت بر می‌بندد. وی در مقاله «فرانسه» به جای آنکه از تاریخ بگوید به انتقاد از وطن خود می‌پردازد و از نابرابری فاحش طبقات اجتماع، فقر و بینوایی دهقانان، فزونی جمعیت پاریس و کاهش جمعیت شهرها می‌نویسد. د-الامبر مقاله ریاضیات را می‌نویسد و نیز در مقاله کوبنده «ژنو» قشریون را به عداوت با خود وامی‌دارد. بهترین پزشکان و جراحان همچون پل ژوزف بارتز^{۷۷}، و تثوفیل دو بوردو^{۷۸}، درباره تندرستی مشورت می‌دهند. بوفون از طبیعت و اولباک، لاووازیه^{۷۹} و روئل^{۸۰} از شیمی می‌گویند. فرانسواکه نه^{۸۱}، و بعدها آن روبر ژاک تورگو^{۸۲} که در سال ۱۷۶۷ «فیزیوکرات» لقب می‌گیرند، درباره «اقتصاد»، و ژان ژاک روسو درباره «اقتصاد سیاسی» می‌نویسند. صنعتگران ساده هم از تجربیات خود سخن می‌گویند. بافندگی، لعباب‌کاری، سوزن‌کاری، باغداری، صافکاری، فنون نظامی، سلاح‌سازی، زرگری، سوارکاری، سلحشوری، باله، الکتربسته، آهنگری، قفل‌سازی، میخ‌سازی، ... هر یک در این کتاب سهم دارند. گویی هیچ نکته‌ای از چشم تدوینگران این اثر عظیم پنهان نمی‌ماند. اگرچه ناشر برای مصون کردن کتاب و مؤلفان آن از گزند مخالفان، بسیاری از

مقالات کتاب را مُثله یا نابود کرد و بخش عمده‌ای از رنج «یاران آنسیکلوپدی» را به باد داد، ولی بسیاری از مقالات تکمیلی در سالهای بعد نگاشته و در کتاب درج شده است ... و چنین است که نام «آنسیکلوپدی» در نقش بزرگترین عامل ترویج علوم و نشر افکار جدید و منقلب کننده عقاید جامعه و آینه تفکر فلسفی و آزاد اندیشی در سده هجدهم، و به عنوان بزرگترین دستاورد عصر روشنگری رقم می‌خورد. ولتر آن را برجسته‌ترین و زیباترین اثر ادبیات می‌نامد و آن را اثر فنا ناپذیری می‌داند که بر کوتاهی عمر انسان پوزخند می‌زند. دایرةالمعارف، بدون شک یکی از مهمترین عوامل زمینه‌ساز انقلاب در فرانسه است و ویل دورانت، مؤلف کتاب تاریخ تمدن، آن را انقلابی قبل از انقلاب فرانسه می‌نامد.

بنابراین با توجه به این که بعد از دیدرو تمام دایرةالمعارف‌نویسان از «آنسیکلوپدی» تأثیر پذیرفته‌اند، می‌توان گفت که در واقع حتی در دایرةالمعارف‌های متأخر، تأثیر تقسیم‌بندی بیکن کاملاً مشهود است.

در دوره روشنگری جان هریس^{۸۳} کتابی با عنوان «واژگان فنی»^{۸۴} (۱۷۰۴ م.) تألیف می‌کند که ویژگیهای دایرةالمعارف‌های مدرن را دارد. موضوع یاری گرفتن از متخصصان در تدوین دایرةالمعارف‌ها سابقه طولانی ندارد. و شاید هریس نخستین کسی باشد که نام تعدادی متخصص، از جمله نیوتن و جان‌ری را به عنوان دانشنامه‌نویس متخصص در دایرةالمعارف خود فهرست کرده است. یوهان هینریش زدلر^{۸۵} در کتاب

«واژگان جهانی»^{۸۶} در فاصله سالهای ۱۷۳۲ تا ۱۷۵۰ میلادی پا را از این هم فراتر نهاد و از دو ویراستار عمومی و نه نفر کمک ویراستار یاری جست و در نتیجه کاری عظیم و نسبتاً با دقت به جامعه ارائه شد.

ساموئل تیلر کولریج^{۸۷}، که بسیار تحت تأثیر بیکن بود، در ۱۸۱۷ میلادی، طبقه‌بندی نسبتاً متفاوتی را در دایرةالمعارف متروپولیتانا^{۸۸} مطرح کرد. طبقه‌بندی او شامل پنج فصل عمده بود:

الف. علوم محض: صوری یا رسمی (فلسفه، منطق، ریاضیات) و غیر رسمی یا حقیقی (متافیزیک، اخلاق، الهیات)

ب. علوم کاربردی و اختلاطی: علوم کاربردی (فلسفه تجربی، هنرهای زیبا، هنرهای مفید، تاریخ طبیعی، کاربرد تاریخ طبیعی) و علوم اختلاطی (مکانیک، ئیدروستاتیک، دانش خواص، هواشناسی، نورشناسی، نجوم).

ج. علوم زندگی‌نگاری (بیوگرافی) و تاریخی: که به صورت واقع‌نگاری با توالی زمانی تنظیم شده است.

د. علوم گوناگون: شامل واژگان‌نگاری، فرهنگ اعلام جغرافیایی، واژه‌نامه‌های فلسفی و ریشه‌شناختی.

ه. فهرست تحلیلی.

البته طبقه‌بندی کولریج را ناشر تغییر داد و همین امر دایرةالمعارف او را با شکست روبرو کرد، ولی نظریه او و نیز نظریه بیکن، کماکان بر کار دایرةالمعارف نویسان سلف تأثیر گذارد. در نظر کولریج، دایرةالمعارف

ابزار هدایت انسان را برای تفکر روشمند است. او معتقد است که روش فلسفی اش در تنظیم مطالب دایرةالمعارف، هماهنگی و انسجام دایرة دانش بشری را به نمایش در می آورد و وحدت طرح و روشنی بیان به آن می بخشد. ضبط الفبایی مطالب جغرافیایی و همچنین برابرنامه انگلیسی دایرةالمعارف متروپولیتانا مراجعه به آن را بسیار سهل می سازد. به هر حال اگرچه بزرگترین دایرةالمعارف قرن، یعنی آنسیکلوپدی متروپولیتانا، به دلیل کناره گیری طراحی و مشکلات مالی بعدی آن با شکست مواجه می شود، اما کولریج با مقاله عمیق خود با عنوان «رساله ای در روش»^{۸۹} که در ۱۸۱۸ میلادی منتشر شد، بزرگترین تأثیر را در فلسفه دایرةالمعارف نویسی از زمان یکن به بعد می گذارد.

وقتی لوئی شور^{۹۰} در ۱۹۶۲ میلادی به ویراستاری دایرةالمعارف کالی بر برگزیده می شود، بر باور وحدت دانش تأکید می کند و هربرت جرج ولز^{۹۱} (۱۸۶۶-۱۹۴۶ م.) داستان نویس انگلیسی می گوید دایرةالمعارف کشکول نیست، بلکه مجموعه ای برخوردار از مرکزیت، وضوح و تلفیق است. در همان سال جامعه شناس اتریشی، اوتونوراث^{۹۲} (۱۸۸۲-۱۹۴۵ م.) طراحی یک دایرةالمعارف بین المللی را پیشنهاد می کند و می گوید دایرةالمعارف باید به گونه ای طرح ریزی شود که مثل پیاز هر لایه آن راهی را برای رسیدن به قلب آن بگشاید.

در دهه سوم قرن نوزدهم آبراهام ریز^{۹۳} دایرةالمعارفی به نام «سایکلویدیای جدید»^{۹۴} می نویسد که در واقع تجدیدنظری بر

دایرةالمعارف چمبرز است و رقیب دایرةالمعارف بریتانیکا به حساب می آید.

فرهنگ دایرةالمعارفی لاروس جدید مصور^{۹۵}، در فاصله ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۴ میلادی انتشار می یابد. پییر لاروس، چنان رویکرد بدیعی نسبت به دانشنامه نویسی زمان خود داشته است، که بحق می توان از او همچون بیکن و دیدرو به عنوان یکی از تأثیرگذاران دایرةالمعارف نویسی در جهان نام برد.

در قرن نوزدهم در فرانسه آثار دیگری، خواه به شکل روشمند و خواه به شکل الفبایی، به قصد گردآوری معارف بشری منتشر شده است. از آن جمله است «دایرةالمعارف مردم جهان»^{۹۶} (۱۸۸۳-۱۸۴۵ م.) در ۲۲ جلد؛ «دایرةالمعارف نوین»^{۹۷} (۱۸۵۱-۱۸۴۶ م.) شامل ۳۰ جلد و ۱۲ جلد تکمیلی؛ «دایرةالمعارف قرن نوزدهم»^{۹۸} (۱۸۵۹-۱۸۳۶ م.) در ۲۸ جلد؛ «فرهنگ بزرگ همگانی قرن نوزدهم»^{۹۹}، اثر پل لاروس (۱۸۷۶-۱۸۶۶ م.) در ۱۵ جلد و ۲ جلد تکمیلی؛ «دایرةالمعارف بزرگ»^{۱۰۰} (۱۹۰۲-۱۸۸۵ م.) در ۳۱ جلد به ویراستاری مارسلن برتلو^{۱۰۱} و اثر جاودانه وبستر با عنوان «فرهنگ زبان انگلیسی وبستر»^{۱۰۲} (۱۸۲۸ م.) که همانند لاروس و دانشنامه بروکهاوس^{۱۰۳}، به نوبه خود نقطه های درخشان دوره دوم اند و تأثیر مهمی در سرنوشت دایرةالمعارف نویسی جهان در طول تاریخ داشته اند. وبستر اصولاً فرهنگی دانشنامگی بود و در تدوین آن کوشش شده بود که از ضبط

مدخلهای طولانی صرف نظر شود و فقط موضوعات پراهمیت تر مد نظر قرار گیرد. بروکهایس نیز در ۱۷۹۶ میلادی در ۲۰ جلد انتشار یافت و هفدهمین تجدید چاپ آن در فاصله ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۴ میلادی صورت گرفت.

دو قرن هفدهم و هجدهم، عصر رونق فرهنگهای دانشنامگی است. در نگارش این نوع فرهنگها، دو رویکرد متفاوت وجود داشته است. رویکرد اول بیشتر گرایش به مطالب تاریخی و زندگینامه‌ای دارد و دیگری گرایشش به هنرها و علوم است. به عبارت دیگر رویکرد نخست، نوعی نگرش به گذشته‌هاست و رویکرد دوم، با دنیای معاصر سر و کار دارد. عصر فرهنگهای دانشنامگی، اگرچه دوره درخشانی بود، ولی بتدریج معلوم شد که جمع آوری دانش در یک کتاب و عرضه شرح موجز و مختصر آن، هرچند مفید است ولی نقاط ضعفی دارد. برای مثال ضبط الفبایی مدخلهای کوتاه و مختصر در فرهنگهای دانشنامگی انسجام و یکپارچگی دانش را از میان می‌برد و در نتیجه مراجعه‌کننده کتاب نمی‌تواند به اطلاعات کاملی که در پی آن است، دست یابد.

دوره سوم: عصر نگرش علمی (قرن بیستم)

در این دوره به‌طور کلی نگرش علمی بر دانشنامه‌نویسی حاکم می‌شود. سنت فرهنگهای دانشنامگی، خاصه با کتاب لاروس جدید مصور^{۱۰۴} (۱۸۹۷-۱۹۰۴ م.) که با ۷ جلد و یک جلد تکمیلی (۱۹۰۶ م.)

منتشر می‌شود، ادامه می‌یابد و «لاروس قرن بیستم»^{۱۰۵} (۱۹۳۳-۱۹۲۸ م.) در ۶ جلد و یک جلد تکمیلی (۱۹۵۳ م.) و «لاروس بزرگ دانشنامه‌گی»^{۱۰۶} (۱۹۶۴-۱۹۶۰ م.) در ۱۰ جلد و ۲ جلد تکمیلی (۱۹۷۵-۱۹۶۸ م.) به چاپ می‌رسد. همچنین «فرهنگ بزرگ دانشنامه‌گی لاروس»^{۱۰۷} (۱۹۸۵-۱۹۸۱ م.) در ۱۰ جلد چاپ می‌شود که بعدها به صورت «لاروس بزرگ جهانی»^{۱۰۸} (۱۹۹۰-۱۹۸۷ م.) در ۱۵ جلد در می‌آید.

اینک اجمالاً به معروفترین دایرةالمعارفهای این دوره اشاره می‌کنیم: «دایرةالمعارف بزرگ روسی» (۱۹۴۷-۱۹۲۶ م.) یکی از دانشنامه‌های معروف دوره سوم است که هر چند رویکرد مارکسیست-لنینیستی به مسائل معرفتی دارد، ولی در مسائل غیرسیاسی نسبتاً بی‌تعصب عمل کرده است. برای نوشتن این مجموعه تقریباً از تمام منابع فرهنگی شوروی استفاده شده است. شمار ۸۰۰۰ متخصص نگارش مقالات را برعهده گرفتند و مدخلهای مربوط به زندگینامه‌ها بین‌المللی بوده است. یک جلد کامل از دایرةالمعارف نیز به اتحاد جماهیر شوروی اختصاص داده شده بود. چاپ ۳۰ جلدی این دایرةالمعارف در فاصله ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ میلادی منتشر شده است.

«دایرةالمعارف آمریکایی کالی‌یر»^{۱۰۹} نیز در ۲۰ جلد و در فاصله ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ میلادی منتشر می‌شود و از ۱۹۶۰ به بعد، مرتباً، یک کتاب سال نیز به آن افزوده می‌شود. کالی‌یر، خاصه به دلیل تصاویر

جذابش بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد.

«دایرةالمعارف فرانسوی»^{۱۱۰} در سالهای ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۶ میلادی، در ۲۱ جلد منتشر می‌شود. هر مجلد این دایرةالمعارف به یک موضوع اختصاص دارد: ابزارهای ذهنی انسان (تفکر منطقی، زبان، ریاضیات)، فیزیک، آسمان و زمین، زندگی، موجودات زنده، انسان (تندرستی و بیماری)، گونه‌های انسان، مطالعه ذهن، جهان اقتصادی و اجتماعی، دولت، زندگی بین‌المللی، شیمی و صنعت، صنعت و کشاورزی، زندگی روزمره انسان، نظریه آموزش و یادگیری، هنر و ادبیات (در دو جلد)، واژه نوشتاری، فلسفه و دین، تاریخ، تحول و چشم‌انداز رشد و توسعه جهان، فهرست الفبایی-ارجاعی (نمایه).

«دایرةالمعارف اونیورسالیس»^{۱۱۱} از مهمترین دایرةالمعارفهای الفبایی فرانسوی است که چاپ اول آن در ۲۰ جلد (۱۹۷۵-۱۹۶۸ م.)، چاپ دوم آن در ۲۲ جلد (۱۹۸۴ م.) و چاپ سوم آن در ۳۰ جلد (۱۹۹۰ م.) منتشر شده است.

«دایرةالمعارف بزرگ»^{۱۱۲} (۱۹۷۸-۱۹۷۱ م.) نیز از انتشارات لاروس و در ۲۱ جلد است و جلد تکمیلی آن در فاصله سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۱ به چاپ رسیده است.

«دایرةالمعارف فرانسوی»^{۱۱۳} که آناتول دومون سیز^{۱۱۴} در ۱۹۳۵ آن را بنیان‌گذاری می‌کند، با ضبط روشمند مطالب، زیر نظر گاستون برگر^{۱۱۵} در سال ۱۹۶۶ میلادی در ۲۱ جلد به پایان می‌رسد.

«دایرةالمعارف نخبگان»^{۱۱۶} نیز در سال ۱۹۵۵ زیر نظر ریمون کنو^{۱۱۷} (۱۹۷۶-۱۹۰۳ م.)، شاعر و داستان‌نویس فرانسوی آغاز می‌شود. موضوعات این دایرةالمعارف به صورت روایی مطرح می‌شوند. در نیمه اول قرن بیستم دو دانشنامه دیگر که بر مفهوم فلسفی طبقه‌بندی معارف متکی‌اند، به چاپ رسیده‌اند: «دانشنامه فرانسوی»^{۱۱۸} و «دانشنامه اصولی و منظم و جامع هنری»^{۱۱۹}. این دو دانشنامه به‌رغم آنکه طبقه‌بندی‌هایشان عکس یکدیگر است و در سبک متفاوتند، هر دو از طبقه‌بندی‌های یکن و کولریج تاثیر پذیرفته‌اند.

دایرةالمعارف‌هایی نیز به زبان‌های اتریشی، بلژیکی، بلغاری، اسپانیایی، ایتالیایی، آلمانی، مجارستانی، ژاپنی، روسی، و... منتشر شده است که همگی در زمره دانشنامه‌های دوره سوم قرار می‌گیرند. از آن جمله‌اند، «دایرةالمعارف اتریشی»^{۱۲۰} (۱۹۵۵ م.) در ۲ جلد؛ «دایرةالمعارف لاروس بلژیکی»^{۱۲۱} (۱۹۸۰-۱۹۷۱ م.) در ۲۵ جلد و ۱ جلد تکمیلی؛ «دایرةالمعارف بلغاری»^{۱۲۲} (۱۹۶۸-۱۹۶۲ م.) در ۵ جلد و «دایرةالمعارف اسپانیایی اسپاسا»^{۱۲۳} در ۷۰ جلد (۱۹۳۳-۱۹۰۵ م.) و ۱۰ جلد تکمیلی، نیز دایرةالمعارف عظیمی است که همانند «دایرةالمعارف ایتالیایی»^{۱۲۴} به جای بازبینی مطالب در تجدید چاپ، به تهیه جلد‌های تکمیلی مبادرت کرده است. یکی از مجلد‌های آن که درباره اسپانیاست به‌طور جداگانه مرتباً تجدیدنظر می‌شود و به چاپ می‌رسد. دایرةالمعارف دیگر اسپانیایی، «فرهنگ سالوات»^{۱۲۵} است که در سال‌های

۱۹۰۷ تا ۱۹۱۳ میلادی منتشر و پس از آن به طور متناوب تجدید چاپ شده است. دیگر دایرةالمعارف اسپانیایی، «فرهنگ لابر»^{۱۲۶} (۱۹۶۰-۱۹۵۵ م.) است که هر جلد را به یک موضوع اختصاص داده است و یک جلد فهرست ارجاعی دارد، که کلید مراجعه به مطالب سراسر کتاب است. این دایرةالمعارف از نظر توجه به سرزمینهای اسپانیایی زبان جهان، اهمیت خاص دارد. دایرةالمعارف اسپانیایی دیگر، «فرهنگ جهانی لاروس»^{۱۲۷} در ۱۰ جلد و یک جلد تکمیلی است و در ۱۹۶۷ میلادی به چاپ رسیده است؛ یکی از مهمترین دایرةالمعارفها، «دانشنامه ایتالیایی»^{۱۲۸} (۱۹۳۶-۱۹۲۹ م.) است که معروفیتش به دلیل تصویرهای زیبا و مقالات مستند، مبسوط و خصوصاً بی طرفانه آن است. در این دانشنامه حتی مقاله فاشیسم به گونه ای بی غرضانه مطرح شده است. ناشر همان دانشنامه، پس از جنگ جهانی دوم، دایرةالمعارف دیگری با عنوان «فرهنگ دایرةالمعارفی»^{۱۲۹} (۱۹۶۳-۱۹۵۵ م.) منتشر کرد که در مقایسه با دانشنامه نخست کوچک، ولی از نظر تصاویر عالی بود.

کتاب «دایرةالمعارف اروپا»^{۱۳۰} در فاصله سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱ میلادی منتشر شد. این دانشنامه علی رغم فشردگی مقالات، از حیث کیفیت و تعدد مقالات بسیار ممتاز بود. در اینجا به دو دایرةالمعارف دیگر ایتالیایی اشاره می کنیم: یکی دایرةالمعارف ۲۶ جلدی «دایرهالمعارف جدید جرولاموبوکاردو»^{۱۳۱} (۱۸۸۸-۱۸۷۵ م.) که استفانو پاگلیانی^{۱۳۲}

(۱۸۹۹-۱۸۸۸ م.) تدوین ۶ جلد تکمیلی آن را ادامه داد و دیگری، دایرةالمعارف ۳۸ جلدی با عنوان «دایرةالمعارف ایتالیایی علوم»^{۱۳۳} اثر گی‌یووانی ترکانی^{۱۳۴} (میلان-رم ۱۹۳۹-۱۹۲۹ م.) که در میان دایرةالمعارفهای ارزشمند ایتالیایی جای دارند.

در میان دیگر دایرةالمعارفهای اروپاییان می‌توان به دایرةالمعارف چهار جلدی «Příuční slovník naučný» (۱۹۶۷-۱۹۶۲ م.) اشاره کرد که فرهنگستان علوم چکسلواکی (سابق) آن را منتشر نمود. در دانمارک نیز دایرةالمعارفی پنج جلدی با عنوان «Gyldendals store opslagbog» در فاصله سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹ میلادی تدوین و منتشر گردید.

بزرگترین دایرةالمعارف عمومی فنلاند نیز به حجم ۲۴ جلد با عنوان «Uusi tietosanakirja» در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۶ انتشار یافت. در مجارستان نیز دو دایرةالمعارف بزرگ، یکی در فاصله ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۷ میلادی با عنوان «Révai Nagy lexikona» در ۲۰ جلد و دیگری در فاصله ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲ میلادی در ۶ جلد منتشر شد که دومی نقطه نظرات مارکسیست-لنینیستی را در جامعه گسترش می‌داد.

انتشار دایرةالمعارفی ۲۴ جلدی به همراه ۴ جلد تکمیلی (۱۹۶۰-۱۹۵۹ م.) از جمله تلاشهای عمده‌ای است که در یونان جدید در راه اعتلای دانش صورت گرفته است. در هلند نیز ویرایش هفتم دایرةالمعارفی با عنوان «Groote Winkler Prins encyclopaedia» در ۲۰ جلد، از سال ۱۹۶۶ میلادی مرجع تمامی فعالیتهای دایرةالمعارفی

قرار گرفته است. هلندی‌ها برای روزآمد کردن اطلاعات این دایرةالمعارف، هر سال یک جلد تکمیلی بدان می‌افزایند.

دهه هفتاد قرن بیستم، سالهای پرتلاش لهستانی‌ها، پرتغالی‌ها و رومانیایی‌ها در انتشار دایرةالمعارف است؛ در لهستان، به سال ۱۹۶۲ میلادی «encyklopedia powszechna PWN» انتشار یافت و دایرةالمعارف ۴۰ جلدی پرتغالی‌ها با عنوان «Grande enciclopédia portuguesa e brasileira» که انتشار آن از ۱۹۳۵ آغاز شده بود در ۱۹۶۰ میلادی تکمیل گردید. انتشار دایرةالمعارف رومانیایی‌ها با عنوان «Dictionar enciclopedic romîn» نیز از ۱۹۶۲ میلادی آغاز شد.

در استرالیا نیز دایرةالمعارفی جامع در ۱۰ جلد به سال ۱۹۶۳ میلادی انتشار یافت که تمامی جنبه‌های زندگی در استرالیا را به دقت شرح می‌داد. این دایرةالمعارف را «Australian Encyclopedia» نام‌گذاری کردند. از دیگر کشورهای انگلیسی زبان که در زمینه دایرةالمعارف فعالیت داشته است، می‌توان به کانادا اشاره کرد که دایرةالمعارف استاندارد خود را با عنوان «Encyclopedia Canadiana» در ۱۰ جلد به سال ۱۹۵۷ میلادی منتشر نمود.

«دایرةالمعارف جدید بین‌المللی»^{۱۳۵} (چاپ اول ۱۹۰۴-۱۹۰۲ م. و چاپ دوم ۱۹۳۰-۱۹۱۴ م.) نیز از آثار معروف دایرةالمعارفی آمریکاست که در ۲۷ جلد منتشر شده است و مجلدهای تکمیلی آن به صورت کتاب سال منتشر می‌شود.

«دایرةالمعارف آمریکانا»^{۱۳۶} نیز از معروفترین دایرةالمعارفهای عمومی آمریکایی است که در فاصله ۱۸۳۳-۱۸۲۹ میلادی برای مطابقت زبان انگلیسی چاپ هفتم بروکهایس بنیان‌گذاری و در سال ۱۹۰۲ میلادی با انتصاب فردریک سی. بیچ^{۱۳۷} به سمت ویراستاری آن، به موفقیت چشمگیری نایل شد. چاپ ۱۹۲۰ میلادی این دایرةالمعارف با تحوّل اساسی در ساختار و آرایش مطالب، مبنای کار دایرةالمعارفهای بعدی شد. موفقیت این دانشنامه از سویی نیز مرهون بازنگریها و چاپ کتابهای تکمیلی سالانه از ۱۹۲۳ به بعد است. این دایرةالمعارف که مقالات اصلی آن به قلم دانشمندان تراز اول رشته‌های گوناگون نوشته شده، خصوصاً از حیث مطالب تاریخی و جغرافیایی کانادا و آمریکا، تأکید بر پیشرفتهای ایالات متحد در قرن نوزدهم و بیستم و ذکر موضوعات علمی و فنی و زندگینامه‌ای بسیار غنی است. جلد سی‌ام آمریکانا، فهرست الفبایی-ارجاعی است که به‌صورت فرهنگ زبان تنظیم و در هر چاپ با نیاز روز متحول شده است. مقالات بلند این دانشنامه فهرست مندرجات و در مواردی واژه‌نامه تخصصی دارد.

«دایرةالمعارف آمریکایی راندم هاوس»^{۱۳۸} یکی از موفق‌ترین دایرةالمعارفهای یک جلدی جهان است که با نامهای گوناگون به زبانهای مختلف ترجمه و در کشورهای جهان توزیع شده است. «راندم هاوس» شامل دو بخش است: کلرودیا^{۱۳۹} که متشکل از مقالات نسبتاً طولانی است و مطالب کلی در آن مطرح می‌شود و آلفادیا^{۱۴۰} شامل مقالات

کوتاهی است که به مسائل اختصاصی می پردازد.

یکی از مهمترین دایرةالمعارفهای جهان، «دایرةالمعارف بزرگ بریتانیکا» ست^{۱۴۱}، چاپ اول آن با عنوان «دایرةالمعارف یا فرهنگ هنرها و علوم»^{۱۴۲} در سه جلد شامل ۲۶۵۹ صفحه و ۱۶۰ لوح مسی در فاصله سالهای ۱۷۶۸ و ۱۷۷۱ میلادی در ادینبورگ چاپ و منتشر شد. بریتانیکا، خصوصاً پس از چاپ پانزدهم (۱۹۷۴ م.)، به ویراستاری پریس^{۱۴۳} براستی جهان دانشنامه نویسی را متحول کرد.

بریتانیکای چاپ پانزدهم به ۴ بخش تقسیم می شود:

الف. پیش دانشنامه^{۱۴۴} (یا پرویدیا در یک مجلد)، که طبقه بندی علوم و معارف بشری خاص بریتانیکا را به دست می دهد.

ب. دانشنامه کلان^{۱۴۵} (یا ماکرویدیا در ۱۷ مجلد، جلد های سیزدهم تا بیست و نهم)، که بخش اصلی بریتانیکا است و اطلاعات را در قالب مقالات وسیع و گسترده عرضه می کند.

ج. دانشنامه خرد^{۱۴۶} (یا میکرویدیا در ۱۲ مجلد، جلد های یکم تا دوازدهم)، که هزاران مقاله کوتاه مربوط به نامهای خاص، اشیاء، جانداران، اندیشه ها و مفاهیم را به ترتیب الفبا و در قالب مقالات فشرده ارائه می کند.

د. نمایه^{۱۴۷} (۲ مجلد، جلد های I و II)، که به تعبیر ویراستار چاپ پانزدهم، با این هدف تنظیم شده است که استفاده کننده پیش از مراجعه به یکایک ۳۰ جلد، به این نمایه مراجعه کند و ذیل مدخل مورد نظر خود،

نشانه ارجاعی تمام مطالب مربوط به آن مدخل را با ذکر شماره مجلد، شماره صفحه، شماره ستون و حتی بخش بالایی یا پایینی ستون، در ماکرویدیا، میکرویدیا و نیز پرویدیا بیابد.

مارتیمر جی آدلر^{۱۴۸} (۱۹۰۲ م.) که در واقع چاپ پانزدهم بریتانیکا بر مبنای طبقه‌بندی وی از معارف تنظیم شده است، در مقدمه بخش دهم از پرویدیا با عنوان «دانش، خودآگاهی است»^{۱۴۹}، معارف بشری را به ده بخش تقسیم کرده است. او در بخش ۱ تا ۹، به موضوعاتی می‌پردازد که به کمک علومى چون فیزیک، شیمی، نجوم، زمین‌شناسی، هواشناسی، زیست‌شناسی، پزشکی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و فناوری درباره کل جهان می‌دانیم. این ۹ بخش همچنین آنچه را که ما به عنوان حاصل مطالعه نظام‌مند و تحصیل در رشته‌هایی چون آموزش، حقوق، هنرها، مذہب و تاریخ می‌شناسیم، در بر می‌گیرد و شناخت بشر از جهان را از طریق علوم یاد شده (در بخش ۱ تا ۹) می‌نمایاند. در بخش دهم به تعبیر آدلر، ما با مفهوم شناخت و بازتاب خودآگاهی در دانش مواجهیم. نگارنده در بخش ده، نه به جهان قابل شناخت، بلکه به خود دنیای شناخت و شاخه‌های آن می‌پردازد. به تعبیری بخش ۱ تا ۹ چارچوب جهان قابل شناخت را عرضه می‌دارد، و بخش ۱۰ شامل علوم و رشته‌هایی است که از طریق آنها، آنچه را که درباره جهان می‌دانیم، می‌شناسیم.

طبقه‌بندی معارف در پرویدیاى بریتانیکا به صورت زیر است:

بخش اول: ماده و انرژی (شامل اتم، انرژی و جهان هستی) که به کمک علوم فیزیک، شیمی، و اخترشناسی تبیین می‌شود.

بخش دوم: زمین (شامل خصوصیات زمین، پوش زمین، مشخصه‌های سطح زمین، و تاریخ زمین) که به کمک علوم زمین‌شناسی تبیین می‌شود. بخش سوم: زندگی روی زمین (شامل طبیعت و گوناگونی موجودات زنده، بنیان ملکولی فرایندهای حیاتی، ساختمان و کارکرد سازواره‌ها، پاسخهای رفتاری سازواره‌ها، زیست سپهر) که به کمک زیست‌شناسی و فیزیولوژی شناخته می‌شود.

بخش چهارم: زندگی انسان (شامل مراحل توسعه زندگی انسان روی زمین، سازواره انسان، رفتار و انسان و تجربه) که از طریق علوم زیست‌شناسی، پزشکی و روان‌شناسی آن را تبیین می‌کنند.

بخش پنجم: جامعه انسانی (شامل گروههای اجتماعی، سازمان اجتماعی و تغییر اجتماعی، تولید، توزیع و استفاده از ثروت، سیاست و حکومت، قانون، آموزش) که شناخت آن به کمک مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاست، اقتصاد و آموزش میسر است.

بخش ششم: هنر (شامل کلیاتی چون نظریه و طبقه‌بندی هنر، تجربه و نقد آثار هنری و خصوصیات هنر در فرهنگهای خاص، و نیز هنرهای خاص).

بخش هفتم: فناوری (شامل، ماهیت و توسعه فناوری، عناصر فناوری و رشته‌های اصلی فناوری، که شناخت آن به مدد فن‌شناسی و علوم

کاربردی صورت می‌گیرد.

بخش هشتم: دین (شامل کلیاتی چون شناخت و درک دین، زندگی دینی و نیز ادیان خاص و گوناگون).

بخش نهم: تاریخ نوع بشر (شامل اقوام و تمدنهای قدیمی و دنیای نوین).

بخش دهم: شاخه‌های علوم (شامل منطق، ریاضیات، علوم [علوم فیزیکی، علوم زمین، علوم زیست‌شناسی، پزشکی و علوم وابسته، علوم اجتماعی و روان‌شناسی و زبان‌شناسی، علوم فناوری]، تاریخ و علوم انسانی، فلسفه، صیانت از معارف).

در پایان بررسی آثار غربی دوره سوم، به بعضی از دایرةالمعارفهای مشهور آلمانی در قرن بیستم اشاره می‌کنیم:

«l'Allgemeine Encyclopädie der wissenschaften und Künste d'Ersch»

در ۱۶۷ جلد (۱۸۹۰-۱۸۱۸ م.)؛ «Conversationslexikon de

» Brockhaus، که انتشار آن از ۱۷۹۶ تا ۱۸۱۱ طول کشید و از سال ۱۹۵۲

تا ۱۹۶۳ میلادی به صورت یک مجموعه ۲۲ جلدی با عنوان «Der

» Grosse Brockhaus بارها چاپ شد؛ «Brockhaus Enzyklopädie»

(۱۹۷۴-۱۹۶۶ م.) در ۲۰ جلد؛ «Der Neue Herder» (۱۹۷۹-۱۹۷۰ م.)

در ۱۴ جلد؛ و نیز دایرةالمعارف «Der grosse Conversations - Lexicon»

اثر مهیر^{۱۵} (۱۸۵۲-۱۸۴۰ م.) در ۴۶ جلد؛ «Meyers enzyklopädisches

» Lexiko (۱۹۷۵-۱۹۷۱ م.) در ۲۵ جلد و همراه با نسخه تکمیلی.

دایرةالمعارف نویسی چین

سهم مشرق زمین در تاریخ دایرةالمعارف نویسی بسیار ممتاز است و عمری طولانی تر از غرب دارد. نخستین دایرةالمعارف چینی هوانگ لان^{۱۵۱}، «آینه امپراتور» است که ظاهراً به دستور امپراتور در ۲۲۰ سال بعد از میلاد تهیه شد که فقط بخشی از آن با عنوان پی‌ین‌جو^{۱۵۲} «مرواریدهای به بند کشیده ادبیات» که حدود سالهای ۶۰۰ تدوین شده، هنوز موجود است. دایرةالمعارف نویس چینی، او یانگ هسون^{۱۵۳} در حدود سال ۶۲۰ آی ون لی‌جو^{۱۵۴} «جنگ هنر و ادبیات» را در ۱۰۰ فصل آماده کرد. به ایت آنگ شوچ آئو^{۱۵۵}، منتخب یکی از دایرةالمعارفهای ممتاز چینی به شمار می‌آید که نسخه تصحیح و تحشیه شده آن در ۱۸۸۰ میلادی به چاپ رسیده است.

چئو هسوه چی^{۱۵۶} «مدخلی بر یادگیری» نیز کار مختصر و متواضعانه‌ای است که هسوشی‌ین^{۱۵۷} (۷۲۹-۶۵۹ م.) آن را در حدود سالهای ۷۰۰ پس از میلاد، به کمک همکارانش تألیف کرد. کتاب پراهمیت‌تر در این زمینه، تئونگ تی‌ین^{۱۵۸} «مقررات جامع»، تألیف تو یو^{۱۵۹} (۸۱۲-۷۳۵ م.) دولتمرد و اقتصاددان چینی است. این کتاب که حدود سال ۸۰۱ کامل شد، شامل ۹ بخش است: اقتصاد، معانیات و درجات، حکومت، مناسک و رسوم، موسیقی، ارتش، قانون، جغرافیای سیاسی، و دفاع ملی. در سال ۱۲۷۳ میلادی، ماتوان-لین^{۱۶۰} مطالبی در تکمیل کتاب به آن افزود و این مطالب به طور جداگانه در قرن هفدهم و هجدهم و قرن بیستم به چاپ رسید.

لی فانگ^{۱۶۱} به دستور امپراتور سونگ تئای تسونگ^{۱۶۲} کتاب وسیع آیینۀ امپراتور تئای پئینگ یولان^{۱۶۳} را تألیف کرد. این کتاب که چکیده بسیاری آثار ادبی و علمی نایاب را در خود داشت در سالهای ۱۵۷۲-۱۵۶۸ میلادی بازبینی و تجدید چاپ شد و در ۱۸۱۲ نیز بار دیگر به چاپ رسید.

چنگ چئیائو^{۱۶۴} (۱۱۰۸-۱۱۶۶ م.) کتاب تئونگ چیه^{۱۶۵} «رساله‌های عمومی» را تألیف کرد که بعدها در ۱۷۴۷ در ۱۱۸ جلد به چاپ رسید. یکی از مهمترین و غنی‌ترین دایرةالمعارفهای چینی، یو-های^{۱۶۶} یا «دریای یشم» است که در حدود سال ۱۲۶۷ میلادی به همت وانگ یینگ‌لین^{۱۶۷} (۱۲۹۲-۱۲۲۳ م.) تألیف شد و در ۱۷۳۸ میلادی در ۲۴۰ مجلد به چاپ رسید.

شاید بزرگترین دایرةالمعارفی که در چین تألیف شده است، یونگ‌لوتاتی‌ین^{۱۶۸} یا «کتاب بزرگ مرجع» باشد که در آغاز قرن پانزدهم به چاپ رسیده است. متأسفانه فقط بخش کوچکی از ۲۲۹۳۷ فصل آن باقی مانده است که آن هم در سال ۱۹۶۳ منتشر شد.

باید دانست تعدادی دایرةالمعارف کوچک نیز در چین و در قرن شانزدهم به چاپ رسیده است و دایرةالمعارف سان‌تس‌ئای‌تئوهوی^{۱۶۹} (۱۶۰۹-۱۶۰۷ م.) تألیف وانگ چئی^{۱۷۰} و پسرش وانگ سسوی^{۱۷۱} در زمرۀ آنها قرار دارد. هرچند این مجموعه بسیار مختصر است، ولی از نظر غنا و فراوانی تصاویرش برآستی یکی از وقایع مهم تاریخ دایرةالمعارف‌نویسی چین به شمار می‌آید. همچنین به دستور امپراتور

چین، کئانگ هسی^{۱۷۲}، در سالهای ۱۷۱۱-۱۷۰۴ میلادی دانشنامه ادبی پئی ون یون فو^{۱۷۳} تألیف و سپس در سال ۱۷۲۰ میلادی توسط یون فوشی آی^{۱۷۴} تکمیل شد.

دو دایرةالمعارف دیگر نیز با عنوانهای پی ن تزولی پی ن^{۱۷۵} (۱۷۲۶ م.) و تزوشیه چینگ هوا (۱۷۲۷ م.) به دستور امپراتور به چاپ رسیدند. در سال ۱۷۲۶ میلادی اثر عظیمی با عنوان کوچین تئوشوچی چئنگ^{۱۷۶} «مجموعه تصویر و نوشتار» به دستور امپراتور منتشر شد. این اثر که ویراستاری آن را چئن منگ لی^{۱۷۷} به عهده داشت، با حجم بیش از ۷۵۰,۰۰۰ صفحه در واقع کوششی برای نمایاندن تمام میراث فرهنگی چین بود.

وانگ چیئس شییه وویوان هوی^{۱۷۸} نیز دایرةالمعارف دیگری بود که با حدود ۲۰۰۰ مدخل، در سال ۱۷۹۶ چاپ شد. دایرةالمعارف دیگر هسیائوچییه لو^{۱۷۹} (۱۸۰۴ م.) اثر لوفنگ تسوئس^{۱۸۰} بود که خصوصاً به دلیل توجه بسیار به اصطلاحهای علمی، به رغم دایرةالمعارفهای پیش از خود، ارزش خاصی یافت. کتاب چینگ چوان^{۱۸۱} (۱۸۰۴ م.) اثر چئن وی^{۱۸۲} بیشتر به تاریخ پرداخته است، حال آنکه چئی مینگ چی شو^{۱۸۳}، تألیف چئنگ لیه^{۱۸۴} به زندگینامه ها توجه داشته است. چائو چئون^{۱۸۵}، کتاب خود با عنوان سسوشووو چینگ لی تی ن چئی چئنگ^{۱۸۶} (۱۸۸۷ م.) را به صورت اثری تاریخی برای استفاده داوطلبان خدمات شهری در آورد. دایرةالمعارف جیوئونگ تئونگ^{۱۸۷} (۱۹۰۲ م.) تألیف لیوکنوی^{۱۸۸}، به دلیل طبقه بندی کارآتر در مقایسه با

دایرةالمعارفهای پیش از خود اهمیت ویژه‌ای یافت. یکی از مهمترین رویدادهای این دوره انتشار کتاب تاریخی و زندگینامه‌ای ایره‌شیه سسوشیه چیوتئونگ چنگ تی‌ین لی یائو‌هوپی‌ین^{۱۸۹} (۱۹۰۲ م.) است. دایرةالمعارف دیگر این عصر کتاب چینگ چائو هسون هسی‌ین تئونگ کئائو (۱۹۰۵ م.) تألیف لیوچین تسائو^{۱۹۰} است که در ۱۹۲۱ بازبینی و تا حجم ۴۰۰ مجلد افزایش یافت. این کتاب، موضوعات مالی، اداری و صنعتی روز زمان خود را با تکیه بر نکات فنی در برداشت. دایرةالمعارف تزئویوان^{۱۹۱} (۱۹۱۵ م.) اثر لو-اره-کیوئی^{۱۹۲} که با یک جلد تکمیلی در سال ۱۹۳۱ میلادی منتشر شد، در واقع نخستین دایرةالمعارف مدرن چین است.

رویداد بزرگ دیگر در تاریخ دانشنامه‌نویسی چین در سال ۱۹۸۰ میلادی به‌صورت توافق بین بنگاه انتشارات چین و مؤسسه بریتانیکا، برای ترجمه میکروپدیای بریتانیکا (چاپ پانزدهم) به زبان چینی صورت می‌گیرد و به این ترتیب مجموعه‌ای هشت جلدی با عنوان دایرةالمعارف مختصر بریتانیکا در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ میلادی، با این قرار منتشر می‌شود که دانشنامه بزرگ چینی در ۸۰ جلد نیز در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ انتشار یابد.

دایرةالمعارف‌نویسی در ژاپن

در ادو^{۱۹۳} یا توکوگاوا^{۱۹۴} در عصر ۱۸۶۷-۱۶۰۳ میلادی نوعی دایرةالمعارف پدید می‌آید که شامل خلاصه آثار ژاپنی و چینی است.

کوجی روبین^{۱۹۵} (۵۱ جلد. ۱۹۱۴-۱۸۷۹ م.) و «دایرةالمعارف بزرگ ژاپنی» (نیهون هیاکادایی ژیتن)^{۱۹۶} (۱۰ جلد. ۱۹۱۹-۱۹۰۸ م.) شباهت زیادی به دایرةالمعارفهای مدرن داشتند.

دایرةالمعارفهای عمومی کاملتری در دوره امپراتور شوآتن نو^{۱۹۷} بعد از سال ۱۹۲۶ پدید آمد، که از آن میان دای هیاکا^{۱۹۸} (۲۸ جلدی ۱۹۳۵-۱۹۳۱ م.)؛ کوکومین هیاگا^{۱۹۹} (۱۵ جلدی. ۱۹۳۷-۱۹۳۴ م.)؛ سکای دای هیاگا^{۲۰۰} (۲۴ جلدی. ۱۹۶۸-۱۹۵۵) و ژاپنیکا^{۲۰۱} (۱۹ جلدی. ۱۹۷۲-۱۹۶۷ م.) از جمله آثار خوب به شمار می آیند.

«دایرةالمعارف بین المللی بریتانیکا»^{۲۰۲} در ۲۸ جلد که تدوین آن از سال ۱۹۷۲ آغاز شد و در سال ۱۹۷۵ میلادی به پایان رسید، کار مشترک انتشارات دایرةالمعارف بریتانیکا و بنگاه نشر توکیو است. بیست جلد این دایرةالمعارف حاوی مقالات بلند و ضبط مدخلها در آن نظام مند است و از این نظر با دایرةالمعارفهای دیگر ژاپنی که معمولاً شامل مدخلهای کوتاه و مختصرند، فرق دارد. بخشهای دیگر دایرةالمعارف عبارتند از شش مجلد راهنمای ارجاعی، یک مجلد راهنمای استفاده و یک مجلد فهرست ارجاعی که مجلدهای سالانه تکمیلی نیز به آن اضافه شده است.

دایرةالمعارفهای کودکان و جوانان

برای گروه سنی کودک و جوان تا پیش از قرن نوزدهم، فقط یک دایرةالمعارف با عنوان «مجموعه کتابهای جوانان»^{۲۰۳} (۱۶۹۶ م.)، تألیف یوهان واگنسلیل^{۲۰۴} (۱۷۰۵-۱۶۳۳ م.)، منتشر شده بود. پس از آن

انتشارات لاروس، کتاب «دایرةالمعارف کوچک نونهالان»^{۲۰۵} را در سال ۱۸۳۵ و کتاب «دایرةالمعارف لاروس کودکان»^{۲۰۶} را در سال ۱۹۵۷ میلادی منتشر کرد.

آرتور می^{۲۰۷} (۱۸۷۵-۱۹۴۳ م.)، نویسنده انگلیسی در سال ۱۹۱۰، «دایرةالمعارف کودکان»^{۲۰۸} را در بریتانیای کبیر و «کتاب معرفت»^{۲۰۹} را در ایالات متحد آمریکا منتشر می سازد. این کتاب شامل یک رشته مقالات ممتاز با تصویرهای فراوان و همچنین فهرست ارجاعی چنان جامعی است که حتی امروز هم الگوی دانشنامه‌هایی از همان دست قرار می گیرد. آرتور می، دانشنامه مصور و کامل دیگری نیز به نام «همه را می بینم»^{۲۱۰} (۱۹۳۰-۱۹۲۸ م.) با تصویرهای کوچک و زیرنویس چند کلمه‌ای برای هر تصویر تدوین کرد. هرچند این کتاب امروزه دیگر مورد استفاده کودکان نیست، ولی کتابداران هنوز هم آن را به دلیل ارزش ارجاعی اش در کتابخانه‌ها نگهداری می کنند.

در فاصله سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۸، دانشنامه کامل کودکان منتشر شد. «دانشنامه کتاب جهان»^{۲۱۱}، دانشنامه بسیار موفقی بود که در ۱۹۲۵ میلادی با یک جلد تکمیلی به همراه فهرست ارجاعی گسترده‌تر و متناسب با ارجاعات متقاطع انتشار یافت و پس از سال ۱۹۲۲ میلادی نیز جلدهای تکمیلی دیگری به آن افزوده شد. نکته آنکه در صفحه عنوان، نام کتاب «معرفت سازمان یافته در داستان و تصویر» قید شده بود. در سال ۱۹۶۱ م. این کتاب با خط بریل در ۱۴۵ جلد، با حذف تصویرها و اضافه شدن جدولها و نمودارها برای نابینایان مطلق چاپ و منتشر شد و

در ۱۹۶۴ م. هم یک دوره ۳۰ جلدی این دایرةالمعارف برای استفاده کم بینایان، انتشار یافت.

جنگ جهانی اول با شکل‌گیری اندیشه تدوین دایرةالمعارفی به نام «بریتانیکای جوان»^{۲۱۲} همراه شد، ولی چاپ اول این کتاب در ۱۹۳۴ به انتشار رسید. این نسخه، بر مبنای «دایرةالمعارف نوین ویدن»^{۲۱۳} که بریتانیکا حق چاپ آن را خریده بود، تدوین شد. این کتاب در ۱۹۶۳ میلادی نیز با عنوان «دانشنامه بریتانیکای جوان»، برای کودکان و دانش‌آموزان ابتدایی منتشر شد. یکی از ویژگی‌های‌های نسخه ۱۹۶۳، مجلد فهرست ارجاعات آن است که تلفیقی است از مدخلهایی با مقالات کوتاه که به مدخلهای بلند ارجاع شده‌اند. در سال ۱۹۶۰ میلادی دانشنامه دیگری با عنوان «بریتانیکای کودکان»^{۲۱۴} در لندن، زیر نظر جان آرمیتاژ^{۲۱۵} منتشر شد.

بریتانیکا در ۱۹۷۱ میلادی دانشنامه جدیدی با عنوان «دانشنامه نوجوانان»^{۲۱۶} منتشر کرد. این دانشنامه که به کودکان دوره دبستانی اختصاص داشت، شامل ۱۶ مجلد تصویر رنگی، همراه با توضیحات مختصر بود. این مجموعه همزمان به زبانهای ژاپنی و کره‌ای نیز ترجمه شد.

در سال ۱۸۹۴ میلادی، فرانک.ای. کومپتون^{۲۱۷}، دانشنامه دبستانی آمریکایی را با عنوان «دانشنامه دانش آموز»^{۲۱۸}، خانه به خانه و در به در به فروش رساند. این دانشنامه بعداً با عنوان «کتاب مرجع دانش آموزان»^{۲۱۹} و سرانجام در سال ۱۹۲۲، به صورت یک کار انقلابی با نام «دانشنامه

مصور کامپتون»^{۲۲۰} منتشر شد. کتاب کامپتون در ۱۹۷۱ میلادی در انتشارات بریتانیکا با عنوان «دانشنامه مقدماتی نوجوانان کامپتون»^{۲۲۱}، بر مبنای «دانشنامه نوجوان» که در بالا ذکر شد، به چاپ رسید. دانشنامه جوانان آکسفورد^{۲۲۲} برای رده سنی بیش از ۱۱ سال، برخلاف «کتاب جهان»، «کتاب کامپتون» و «دانشنامه جوان بریتانیکا»، نظاممند بود و هر یک از مجلدهای دوازده گانه آن به موضوعی اختصاص داشت: نوع بشر، تاریخ طبیعی، عالم، ارتباطات، زندگیهای بزرگ، مزرعه داری و ماهیگیری، صنعت و تجارت، مهندسی، تفریح و سرگرمی، حقوق، منزل، و هنرها. جلد سیزدهم این مجموعه فهرست ارجاعی بود و مقاله های هر جلد نیز با تنظیم الفبایی (به همراه ارجاعات متقاطع) ضبط شده و حاوی تصویرهای معتناهی بود.

دوره چهارم: عصر نسل دانش و آگاهی (قرن بیست و یکم)

در قرن بیست و یکم دانشنامه های عظیم و گران قیمت که پیش از این در زمان و مکانی محدود در دسترس گروه خاصی از اهل علم قرار می گرفتند، با بهره گیری از فناوری جدید، نیاز اطلاعاتی فشرگسترده ای از جامعه را بر خواهند آورد. دایرةالمعارفها به خانه ها راه می یابند و همه جوانهای جهان، با امکان بالقوه یکسان می توانند خلأ معلوماتی خود را پر کنند و به چشمه جوشان معارف بشری دست یابند. جوانان با هزینه اندک و گاه به رایگان در کتابخانه ها، پایگاههای اطلاعاتی دانشگاه و حتی مدارس و سبیرکافه ها از دریای بیکران دانش و معارف بشری بهره مند

می شوند ... این خصیصه های فنی عصر جدید، جهان را به آموزشگاه کوچکی مبدل ساخته است که الگوهای نوین پژوهشی را می طلبد. در واقع با پایان یافتن دوران انتقال اطلاعات بر کاغذ و راه یافتن رایانه ها به درون منازل، دیگر نیازی به تولید کتابهای حجیم، قطور و چند مجلدی نیست و تمامی داده های موجود در این کتابها، در تعداد محدودی لوح فشرده و بر صفحه نمایشگر افزارهای الکترونیکی قابل استفاده خواهد بود.

از آنجا که شیوه های آموزش دستخوش تحوّل شده اند، الگوی ارائه اطلاعات دانشنامگی نیز باید به فراخور تحول فکری جوانان نسل جدید متحوّل شود. هم اکنون بسیاری از بانکهای اطلاعاتی موجود بر شبکه بین المللی اینترنت^{۲۲۳} به نحوی طراحی شده است که پژوهشگران قادرند با جست و جوی یک کلید واژه به مفهوم مورد نظر خود دست یابند، الگوی جست و جوی منطقی نظام اینترنت و زیرمجموعه های آن با الگوی تنظیم درآیه ها در دایرةالمعارف به حدی تشابه دارد که در واقع می توان هر بانک اطلاعاتی موجود بر اینترنت را به تعبیری یک دایرةالمعارف پنداشت، این تشابه در تنظیم داده ها و طبقه بندی اطلاعات که معمولاً الفبایی یا بر اساس ارتباط موضوعی است، کاملاً مشهود است.

سهولت و سرعت دستیابی به اطلاعات نیز عامل مهم دیگر در رویکرد نسل جدید به بانکهای اطلاعاتی الکترونیکی است. به واقع تمامی اطلاعاتی که پژوهشگر برای دستیابی بدانها ناچار از مراجعه به

کتابخانه بوده است، هم‌اکنون از سراسر دنیا و از طریق خط تلفن در اختیارش قرار می‌گیرد و این با کاهش هزینه‌های انتقال اطلاعات، دستیابی به حجم بیشتر و واحد زمان داده‌ها و در نتیجه اقبال عمومی افراد همراه است.

به این ترتیب دانشنامه‌ای که بتواند با این اختصاصات، بر نمایشگر رایانه ظاهر شود، در آینده نزدیک محکوم به نابودی خواهد بود و هیچ کاربر یا پژوهشگری فرصت و امکان بهره‌گیری از اطلاعات آن را نخواهد داشت. در مجموع، رویکردهای نوین فناوری ابزار مناسب جست‌وجو، تحقیق و تجزیه و تحلیل علوم و معارف و به تعبیری گذرنامه ورود به قرن بیست و یکم است.

همین چشم‌انداز باعث شده است تا ناشران عمده کشورهای صنعتی، با اندیشه تبدیل داده‌های کاغذی به داده‌های الکترونیکی، به ارائه دایرةالمعارفها بر شبکه بین‌المللی اقدام کنند. مثلاً چاپ جدید دایرةالمعارف اونیورسالیس بر لوح فشرده و لوح تصویری الکترونیکی بر مبنای ۵۲۰۰۰ مأخذ، به قلم ۴۰۰۰ نفر از متخصصان در رشته‌های گوناگون در سراسر دنیا تدوین و در گروه ویراستاری ۵۰ نفری برای سال ۲۰۰۰، بازبینی و ویرایش شده است. صورت چاپی اونیورسالیس شامل ۲۸ جلد، ۴ نمایه و ۲۳ پیکره است. دایرةالمعارف جدید، ۲۲۰۰۰ مدخل دارد که با تنظیم الفبایی و به همراه بیش از ۳۰۰۰۰ نقش، عکس، طرح و جدول نگاشته شده است. دایرةالمعارف الکترونیکی اونیورسالیس شامل ۲۸۰۰۰ مقاله و در مجموع ۴۵ میلیون واژه است. برای شفافتر

شدن مفاهیم در صورت لزوم مقالات با صوت، تصویر، تصویر متحرک، فیلم صامت و گویا... همراه شده است. گفتنی است که دایرةالمعارف الکترونیکی اونیورسالیس علاوه بر اطلاعات دایرةالمعارفی، شمار ۸۰۰۰۰ واژه زبانی را نیز به دست می دهد. به این ترتیب، دایرةالمعارف ۲۰۰۰ در واقع به صورت فرهنگ دانشنامگی در اختیار استفاده کنندگان قرار گرفته است. در اونیورسالیس جدید بیش از ۲۰۰ نقشه رنگی جغرافیای سیاسی و بیش از ۹۰۰۰ تصویر علمی و فنی و ۴۰۰۰ مدرک و مستند تصویری - که برای نخستین بار انتشار می یابد - در دسترس مراجعه کننده قرار گرفته اند. ارائه گالری هنری شامل ۱۵۰ شاهکار نقاشی اروپا نیز از امتیازات اونیورسالیس ۲۰۰۰ است.

بریتانیکای ۲۰۰۰ نیز بر لوح فشرده و لوح تصویری الکترونیکی قابل دسترسی است. از امتیازهای این دایرةالمعارف می توان از ارائه ۵ ساعت تصویر ویدیویی جدید برای دستیابی به مقالات، افزودن عکسها و تصویرهای جدید به ۸۰۰۰ عکس و تصویر قبلی، تصویرهای متحرک سه بعدی و نیز برای نخستین بار مدت ۷۰ دقیقه هم نوازی چکیده آثار برجسته موسیقی کلاسیک جهان همراه با تفسیر آنها، یاد کرد. دایرةالمعارف الکترونیکی ۲۰۰۰ ابزار اینترنتی جدیدی است که دسترسی به تمام اطلاعات موجود بر اینترنت را با تمام روشهای موجود برای اتصال به شبکه ممکن می سازد.

دایرةالمعارف ۲۰۰۰ بریتانیکا، ۱۲۰۰ تصویر از شاهکارهای هنری جهان را در دوره های گوناگون تمدن به تماشا می گذارد. شاهکارهایی که

با تفسیر و تحلیل متخصصان و صاحب نظران هنری همراه شده است. در این دایرةالمعارف نقشه‌های تاریخی و جغرافیایی با تحلیل همزمان صوتی به گونه‌ای ارائه می‌شود که مراجعان عام را از مطالعه نوشتارها بی‌نیاز می‌کند. در این دایرةالمعارف هرگاه در مقاله‌ای به مکان جغرافیایی خاص اشاره می‌شود، نقشه سیاسی، اداری یا طبیعی آن با قابلیت بزرگنمایی و دقت مناسب قابل دسترسی است.

دستیابی به اطلاعات دایرةالمعارف الکترونیکی بریتانیکای ۲۰۰۰ به گونه‌ای نوین و سهل برای کاربران غیر حرفه‌ای با امکانات زیر طراحی شده است:

ردیابی توالی و زمانی^{۲۲۴}، که ارائه سوابق موضوع مورد جست و جو را بر اساس طریق توالی تاریخی ممکن می‌کند و وقایع مهم هنری، ادبی، علمی، مذهبی، و ... را در اختیار می‌گذارد.

یاریگر جست و جو^{۲۲۵}، با قابلیت دسترسی به اطلاعات مندرج در ۸۳۰۰۰ مقاله از طریق واژه کلیدی، حلقه ارتباطی مطمئن برای توسعه دامنه بررسی استفاده کننده در پایگاههای گوناگون و قابل اعتماد اینترنت را در اختیار قرار می‌دهد.

گردشگری در میان مقالات^{۲۲۶}، که امکان ارائه اطلاعات با امکانات بالای چند رسانه‌ای شامل صوت، تصویر، تصویر متحرک، تصویرهای گرافیکی و فیلم را درباره موضوع مورد نظر را فراهم می‌آورد.

تحلیلگر داده‌ها^{۲۲۷}، که به کمک آن امکان بررسی آماری در مورد ملیتهای مختلف جهان با تعمیق در اطلاعات به روز، در چند ثانیه حاصل می‌شود.

فصل دوم

دایرةالمعارف نویسی در ایران

دایرةالمعارف نویسی در ایران

حضور مؤثر دانشمندان ایرانی در صحنه علم و دانش دنیای اسلام و نیز این که بسیاری از تألیفات ایرانیان در نخستین سده های گرایش به دین اسلام به زبان عربی بوده، تفکیک دانشمندان ایرانی و دانشمندان عرب را برای خارجیان دشوار کرده است. نتیجه آنکه بسیاری از دایرةالمعارفها، فرهنگهای اعلام و زندگینامه های خارجی، رازی و ابن سینا را بزرگترین دانشمندان دنیای عرب دانسته، فارابی و خوارزمی را با ارجاع به مدخلهای «الفارابی» و «الخوارزمی»، عرب نامیده اند و آثار آنان و ایرانیان دیگر را، خصوصاً در دوره نخست دایرةالمعارف نویسی به نام اعراب نوشته اند. برای مثال، آنان مفاتیح العلوم خوارزمی را نخستین دایرةالمعارف عرب معرفی می کنند. این نکته واقعی است که برای تأیید آن کافی است به یک دو کتاب مرجع و در دسترس عموم مثل فرهنگ نامهای خاص روبر، فرهنگ لاروس و دایرةالمعارف زندگینامگی کمبریج

نظر بیندازیم.

از این رو و با توجه به خلط مبحث دایرةالمعارف نویسی فارسی و عربی، در این بخش ناچاریم که ابتدا و به طور اجمال به بعضی از دایرةالمعارفهای عربی اشاره کنیم و سپس به دایرةالمعارفهای فارسی و نیز ایرانی نگاشته به عربی بپردازیم.

نخستین دایرةالمعارف شناخته شده در زبان عربی، «عیون الاخبار» تألیف ابن قتیبة دینوری، مورخ، لغت شناس و معلم عرب (۲۷۶-۲۱۳ ه.ق) است که با «کتاب السلطان» آغاز می شود و با «کتاب الطعام» و «کتاب النسا» پایان می پذیرد. «عیون الاخبار» شامل نمونه هایی از مصنفات ادبی عصر مؤلف، سخنان قصار، و اشعار کهن عرب است. در این کتاب بسیاری از روایتهای ایرانی نیز نقل شده است. آرایش موضوعی کتاب چنین است: قدرت، جنگ، آزادگی، اشرافیت، شخصیت، آموزش، ریاضیات، دوستی، نیایش، غذا و زن. عیون الاخبار الگوی کار دایرةالمعارف نویسان پس از ابن قتیبه قرار گرفته است.

نویری کندی ملقب به شهاب الدین، تاریخ نویس مصری، صاحب یکی از معروفترین دایرةالمعارفهای جهان اسلام با نام «نهايت الارب في فنون الادب» است. نسخه کامل این کتاب در سال ۱۹۲۳ میلادی به چاپ رسیده است. این کتاب ۳۰ مجلد با شمار تقریبی ۹۰۰۰ صفحه است که به ۵ فن، و هر فن، به ۵ قسمت تقسیم می شود:

فن نخست در آسمان و آثار علوی و ارضی، و مشتمل بر تشریح

جغرافیا، نجوم، هواشناسی، تاریخ نگاری، زمین شناسی
 فن دوم در انسان و آنچه وابسته به اوست مشتمل بر فرهنگ عامه،
 مدیریت و سیاست

فن سوم در جانورشناسی

فن چهارم در رُستنیها

فن پنجم در تاریخ

دایرةالمعارف دیگر «صبح الاعشی فی صناعة الانشا» تألیف
 شهاب الدین ابوالعباس احمد ابن علی قلقشندی (متوفی به سال
 ۸۲۱ هـ. ق) است که در فن انشا و اصول دبیری و کتابت نوشته شده است
 و مطالبی چون جغرافیا و تاریخ سیاسی (خصوصاً تاریخ و جغرافیای مصر
 و شام)، جانورشناسی، معدن شناسی، کیهان شناسی، کیهان نگاری و
 اندازه گیری زمان را در بر می گیرد. این کتاب مشتمل بر سه قسمت (یک
 مقدمه، ده مقاله و یک خاتمه) است که هر قسمت به بابهایی تقسیم شده
 است. اصل کتاب در هفت جزء بزرگ است که در چهارده جزء، به سال
 ۱۹۱۹ میلادی در چاپخانه امیریۀ قاهره به چاپ رسیده است. «نهایت
 الارب فی معرفة قبایل العرب» نیز دایرةالمعارف گونه دیگری از قلقشندی
 است که در سال ۸۱۲ هجری قمری تألیف شده است. گفتنی است که
 نجم الدین محمد، پسر قلقشندی نیز به تقلید از پدر، کتاب نهایت الارب فی
 معرفة النساب العرب را تألیف کرده است که آن هم از کتابهای مرجع به
 حساب می آید.

سیر تحول و تطور دایرةالمعارف نویسی ایرانی و اسلامی را نیز می توان به سه دوره متمایز تقسیم نمود که عبارتند از: عصر دایرةالمعارف نویسان بحر العلوم و عصر آشنایی با غرب و در نهایت عصر دانشنامه نویسی علمی فارسی.

دوره نخست: عصر دایرةالمعارف نویسان بحر العلوم

اصولاً نویسندگان این دوره که به قرون دوم تا دوازدهم تعلق دارند، علامه زمان خود و به اصطلاح «بحر العلوم» بوده اند و کتابهایشان را که معمولاً مجموعه ای از علوم و معارف گوناگون بوده است، می توان به نوعی در زمره دایرةالمعارفها قرار داد. بعضی از کتابهای این دوره با عناوینی چون «گنجینه»، «مخزن»، «جامع»، «جوامع»، «بحر» و مانند آن مشخص می شوند. «جامع العلوم» اثر امام فخر رازی، «مخزن الفوائد» اثر فائق دهلوی، و «جوامع العلوم» اثر ابن فریغون از این گروهند. عنوان بعضی نیز مانند «احصاء العلوم» فارابی، «مفاتیح العلوم» خوارزمی و «نقایس الفنون» شمس آملی به کلمه «علوم» یا «فنون» ختم می شوند، و بعضی دیگر مانند «درة التاج لغرة الدیاج» اثر محمود شیرازی یا «نوادر التبادر لثحفة البهادر» اثر دُنیسری نامهای متنوع دارند. البته دایرةالمعارف نویسی فارسی، به گونه ای که با معنای دقیق کلمه دایرةالمعارف تناسب داشته باشد از قرن ششم هجری آغاز شد.

اساس طبقه بندی علوم در دنیای اسلام همان طبقه بندی علوم (یا علم تقاسیم العلوم) ارسطویی است و شاید از این طریق، دستمایه اروپاییان در

طبقه‌بندی علوم نیز قرار گرفته است. معروفترین دایرة المعارفهای این دوره عبارتند از «أقسام العلوم»، «إحصاء العلوم»، «جوامع العلوم»، «الفهرست»، «رسائل إخوان صفا»، «مفاتيح العلوم»، «دانشنامه علایی»، «نزهت‌نامه»، «بحر الفوائد»، «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات»، «یواقیت العلوم»، «دُراری النجوم»، «جامع العلوم»، «فرخ‌نامه»، و «دُرّة التاج لُغرة الديباج».

از «أقسام العلوم»، تألیف ابوزید احمد بن سهل بلخی (۲۳۲-۱۳۵ هـ.ق) اثری در دست نیست.



«احصاء العلوم» رساله پراهمیت ابونصر فارابی (۳۳۹ هـ.ق) است که وی در این رساله تمام علوم زمان خود را یک به یک بر می‌شمرد، خلاصه‌ای از مباحث هر یک از آنها به دست می‌دهد و از بخشهای آن علوم یاد می‌کند و نمونه‌هایی نشان می‌دهد. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد «... این کتاب برای هر ادیب ذوفنون که می‌خواهد از هر دانشی توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای برگیرد، و نیز برای کسی که دوست دارد خویشتن را به اهل دانش شبیه سازد - تا گمان برند که او هم از گروه دانشوران است -

سودمند خواهد بود».

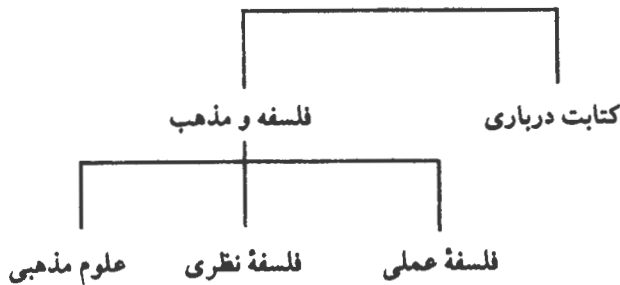
فارابی علوم را ذیل ۵ عنوان طبقه‌بندی می‌کند که بیشتر ناظر به علوم عقلی است.

«جوامع‌العلوم» (۳۴۴ تا ۳۲۷ هـ. ق) تألیف شعیان فریغون است که در آن، علوم به شیوه مفاتیح‌العلوم خوارزمی، به دو مقوله بزرگ تقسیم شده است:

الف. علم کتابت یا منشیگری درباری (نحو، آداب دبیران، خط، بایگانی، انشا، مکاتبات، خراج، برید، املاک، حساب، هندسه، موضوعات مذهبی، اخلاق، آداب ملوک، بیماریها)

ب. علوم فلسفی و مذهبی فلسفه عملی (علوم سیاسی، فن حکومت، طبقات اجتماعی، وظایف اداری، امور مالی، اقلیتهای مذهبی، قضاوت، امنیت، فن جنگ، اخلاق، تدبیر منزل)؛ علوم مذهبی (علم کلام اسلامی، فقه، جدل، اعتقادات و فرقه‌ها)؛ و فلسفه نظری (منطق، نجوم، تعبیر خواب، علم فراست، طبیعیات، کیمیا و علوم خفیه گوناگون شامل پیشگویی، علوم خفیه هند، جادو، طلسمات).

جوامع‌العلوم



«الفهرست»، به گفته ابن ندیم، سیاهه‌ای است از تمام کتابهای عرب و عجم در رشته‌های گوناگون علمی با تاریخچه‌ای از زندگی مؤلفان آنها، از آغاز پیدایش علم تا سال ۳۷۰ هجری که به زبان و خط عربی موجود بوده است. ابن ندیم کتاب شناس و دانشمند بزرگ بغدادی، در این کتاب علوم را با توجه به کتابها (مثل طبقه‌بندی دیوبی) به ده بخش و هربخش را به بخشهای فرعی یا فنا طبقه‌بندی کرده است. بخشهای اصلی الفهرست عبارتند از:

زبان و کتابت و کتب دینی اقوام و ملل و ستایش قرآن، علم نحو، تاریخ (یا اخبار و آداب)، شعر و شاعری، کلام‌فقه و حدیث، فلسفه و علوم دقیق، خرافات و سحر، مذاهب و اعتقادات، کیمیاگری

«رسایل اخوان صفا» (قرن چهارم) که نسخه کامل آن در فاصله سالهای ۱۸۸۷ تا ۱۸۸۹ میلادی منتشر شد، کتابی است شامل ۵۲ جزوه و هر جزوه درباره علمی از علوم به صورتی که از زمان ارسطو رواج داشته است. در این کتاب علوم در سه طبقه عمده تقسیم شده است:

الف. ریاضیات یا تعلیمیه (شامل نظریه اعداد، هندسه، نجوم، جغرافیا، موسیقی، صناعات نظری و عملی، اخلاق، منطق)

ب. طبیعیات (شامل هیولی یا ماده، صورت، حرکت، زمان، مکان، آسمان، کون و فساد، معادن، ماهیت طبیعت، نباتات، حیوانات، جسم انسان، حواس، حیات، ممات، عالم صغیر، لذت، الم، لغات)

ج. مابعدالطبیعه (شامل علم النفس عقلانی [نفسانیات، عقلیات، وجود، عالم کبیر، روح، ادوار بزرگ عالم، عشق، بعث، نُشور، علیت] و

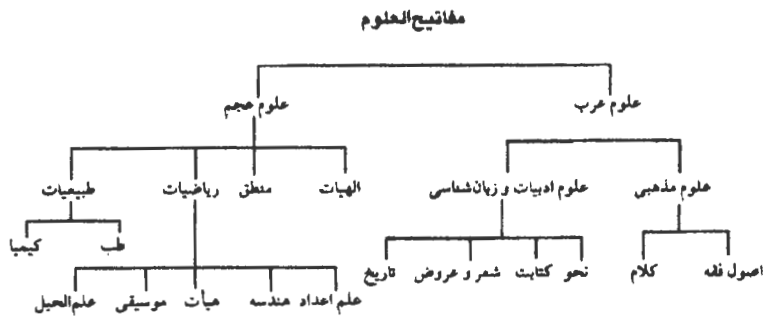
الهیات [عقاید و آرای اخوان‌الصفاء، اخوت، ایمان، ناموس الهی، نبوت، کیفیت دعوت به حق، افعال روحانی، سیاست، نظام عالی، سحر].

کتاب دیگر «مفاتیح العلوم» (۳۶۵ تا ۳۸۱ هـ. ق) تألیف خوارزمی است که طبقه‌بندی آن مشخصاً به صورت زیر است:

الف. علوم مذهبی (علوم شرعیه) شامل علوم مذهبی عرب (اصول فقه، کلام)، و علوم ادبیات و زبان‌شناسی (نحو، علم منشی‌گری درباری یا کتابت، شعر و عروض، تاریخ یا اخبار)

ب. علوم غیرعرب (علوم یونانیها و ملتهای دیگر) شامل تقسیم‌بندی علوم فلسفی (با روش ارسطو)، الهیات، منطق، ریاضیات (علم اعداد، هندسه، هیأت، موسیقی، علم الحیل)، طبیعیات (طب، کیمیا)

تقسیم‌بندی خوارزمی بر عکس فارابی است. وی طب و کیمیا و تاریخ را بر علوم موجود در احصاء العلوم افزوده است:



«دانشنامهٔ علایی» (۴۲۸ هـ. ق) را می‌توان نخستین دایرة المعارف علوم فلسفی دانست. ابن سینا این کتاب را به زبان فارسی، به خواهش حکمران دیلمی اصفهان، علاءالدوله کاکویه، برای استفادهٔ درباریان نوشته و در آن علوم را بر پایهٔ اصول و جزئیات علوم پنجگانهٔ حکمت، لیکن در چهار رشتهٔ منطق، الهیات، طبیعیات و ریاضیات (شامل هیأت و موسیقی) طبقه‌بندی کرده است. همانطور که پیش از این گفته شد، دانشنامه عنوانی است که عبد الواحد جوزجانی، که بخش پایانی کتاب را نوشت، بر روی آن نهاد. **دانشنامهٔ علایی**



کتاب «الشفاء» اثر ابن سینا نیز که بین سالهای ۴۱۴-۴۱۲ هجری قمری تألیف شده است، به نوبهٔ خود از نظر تقسیم‌بندی علوم به احصاء العلوم شباهت دارد. همچنین ابن سینا در «اقسام العلوم العقلیه» در طبقه‌بندی علوم از شیوهٔ احصاء العلوم فارابی پیروی کرده است. او حکمت را همانند احصاء العلوم به دو بخش نظری مجرد، و عملی تقسیم می‌کند.

«نزهت‌نامه» (۵۱۳-۵۰۶ هـ. ق) تألیف شاهمردان ابی‌الخیر رازی است و نثری بسیار سلیس، ساده و عام‌گرایانه دارد. کتاب به دو قسمت

اصلی تقسیم شده است:

الف. خواص و طبایع انسان، حیوان، نبات، جماد (شامل انسان، چهارپایان اهلی، حیوانات وحشی، مرغان، حشرات و خزندگان زمینی و آبی، نباتات [درختان میوه، درختان عطری]، کشاورزی [گیاهان و دانه‌ها، وقت‌نگاری]، دامپروری [انتخاب گاو مناسب]، نگهداری درختان، بازداشتن حشرات موزی و آفت‌ها، کانی‌شناسی [فرضیه کلی، فلزات هفت‌گانه، سنگهای قیمتی و نگین‌ها، سنگهای معدنی، سنگهایی که منشاء حیوانی دارند، و سنگهای خارق‌العاده])

ب. خواص و فواید حساب، نجوم، چند حکایت، هنرهای دستی، صنایع مختلف (بیان طبیعیات نظری، آسمان و زمین، عناصر و طبایع چهارگانه، قطبهای دوگانه، منازل قمری و صور کواکب، اقالیم هفت‌گانه، کشورها، شهرها، بناها، حکایاتی در باب آغاز جهان، انواع علوم [علم اعداد، نجوم، منطق، حساب، کلمات علی (ع)، جداول نجومی، خوانیم و کواکب، اختیار کردن کارها بنابر بروج دوازده‌گانه]، علم فراست، هواشناسی [آثار علوی]، تعبیر خواب [اصول علم تعبیر رویا، طبقه‌بندی موضوع خوابها]، پیدایش جهان [زمین، آسمان، ستارگان]، انسان، حیوانات اهلی و وحشی، پرندگان، حشرات و خزندگان زمینی و آبی، درختان و گیاهان [میوه‌ها، گیاهان عطری، دانه‌ها، علفها]، پستی و بلندی زمین [کوهها، دریاها، شهرها]، طبقات اجتماعی و حرفه‌ها، ابزار و ادوات، بیماریها، علوم و فنون مختلف [کیمیا، صنایع گوناگون مانند رنگها، روغن‌ها، اشیا، ...، ساخت شمشیر و صیقل آینه، پاک کردن

پارچه‌ها [قلع آثار]، طلسمها و طلسم‌گونه‌ها، بازیها و حيله‌ها، عرقها و عطرها، داروهای چشم]

در «بحرالنفایده» (۵۵۲ هـ. ق) نویسنده که نام او مشخص نیست زبان زیبایی برای این کتاب انتخاب کرده است. کتاب شامل شش فصل و ۳۰۰ بخش است. طبقه‌بندی مطالب بی‌نظم است ولی کتاب در مجموع به موضوعات مربوط به دین اسلام و نیز اصول اخلاقی پرداخته است.

«عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات» (۵۷۳-۵۶۲ هـ. ق) تألیف محمد طوسی، شامل ۱۰ بخش به شرح زیر است که بازسازی دقیق طبیعیات ارسطویی است:

۱. عجایب اجرام سماوی، قطبین، سیارات و کرات، آفتاب، ماه،

خواص کواکب، بروج دوازدهگانه

۲. عجایب پدیده‌هایی که میان آسمان و زمین به وقوع می‌پیوندند.

۳. عجایب زمین (دریاها، رودها، چشمه، چاهها، زمین و اقالیم آن،

کوهها، سنگها و جواهرات، صخره‌ها)

۴. عجایب کشورها و اقلیمها، مساجد و کلیساها

۵. عجایب درختان، میوه‌ها و علفها

۶. عجایب صورته‌ها و اشکال منقوره و منقوشه، طلسمها، مجسمه‌ها،

قبور پیامبران و پادشاهان، گنجینه‌های شاهان

۷. عجایب شرف انسان و آفرینش وی (عقل، روح، ارواح حیاتی،

طبقات مردم، اقوام، عقاید، قبیله‌ها و اقشار نجبای نبوت، کیمیا،

طب [خواص و طرز کار بدن، تغذیه، علم موالید]، جبر و اختیار،

علم نفس، تعبیر رویا، بعث و قیامت)

۸. عجایب موجودات ماوراءالطبیعی (اجنه، اشباح، عفریتها، غولها...)

۹. عجایب پرندگان

۱۰. عجایب جانوران (انواع جانوران، جانوران وحشی، دریایی، مارها، زهرها)

«یواقیت العلوم و دُراری النجوم» برای مظفرالدوله والدین، ملک الامرای طغرل تگین غازی بیک الب ارغو، پسر یزّنفش بازدار نوشته شده است. تاریخ تألیف کتاب پیش از ۵۷۳ هجری قمری بوده است ولی نامی از نویسندۀ آن در دست نیست. مرحوم استاد دانش‌پژوه در مقدمۀ یواقیت العلوم (نسخۀ تصحیح شدۀ خود استاد) می‌نویسند: «مؤلف این کتاب چنان‌که بر پشت نسخۀ کتابخانه شادروان دهخدا یادداشت شده، از پیروان سنت و جماعت است...».

یواقیت شمار ۳۰ فن گوناگون را در بر می‌گیرد که عبارتند از اصول دین، اصول فقه، خلاف، مذهب، فرائض، شروط، تصوف، معانی قران، اسباب النزول قران، ناسخ و منسوخ، غرایب تفسیر، قراآت، نوادر قران، غرایب حدیث، امثال عرب، معانی شعر تازی، لغت عرب، نحو و اعراب، تصریف، عروض و نوادر شعر، خط و کتابت، انساب و تواریخ، تعبیر خواب، رقی و افسون‌ها، طب، فلاح، نجوم، مساحت، حساب، فال و زجر و در هر فن ۱۲ سؤال مطرح و به آنها پاسخ داده شده است. به این ترتیب کتاب در مجموع شامل ۳۶۰ پرسش و پاسخ است. کتاب یواقیت را

شاید بتوان در دو گروه عمده، یکی علوم مذهبی و دیگری علوم ادبی و لغوی طبقه‌بندی کرد.

دایرةالمعارف نویسی فارسی، به گونه‌ای که با معنای دقیق کلمه دایرةالمعارف مناسبت داشته باشد، از قرن ششم هجری آغاز شد. نخستین دایرةالمعارف یا دایرةالمعارف گونه‌ای که با توجه به تقسیم‌بندی کلی علوم طرح‌ریزی شد، «جامع العلوم» (یا حقائق الانوار فی حقائق الاسرار) اثر فخرالدین رازی (وفات ۶۰۶ هـ. ق) است. این کتاب اطلاعات جامعی درباره اصول، حد و مرز و مسائل عمده هر یک از علوم اسلامی به دست می‌دهد و از آنجا که به عمق مطالب نمی‌پردازد و شیوه تدوین آن کلیت‌گرایی است، می‌توان آن را در زمره دایرةالمعارفها به شمار آورد. شمار علوم در جامع العلوم ۶۰ است، از این رو به آن «کتاب ستینی» نیز گفته‌اند. رازی که این کتاب را در ۵۷۵ هجری قمری به علاءالدین تکش، سلطان خوارزم پیشکش کرده، در مقدمه آن توضیح داده است که هدف وی تألیف کتابی بوده است که همه علوم اعم از عقلی و نقلی و اصول و فروع را در بر گیرد. مخاطبان این کتاب خدمتگزاران دربارند که در صورت لزوم با توجه به تقسیم‌بندی علوم در کتاب، هر یک کتابهای مربوط به رشته‌های مورد علاقه خود را تألیف کنند. آنگونه که از محتوای جامع‌العلوم می‌توان دریافت، فخر رازی علوم بشری را در این کتاب به دو دسته تقسیم می‌کند:

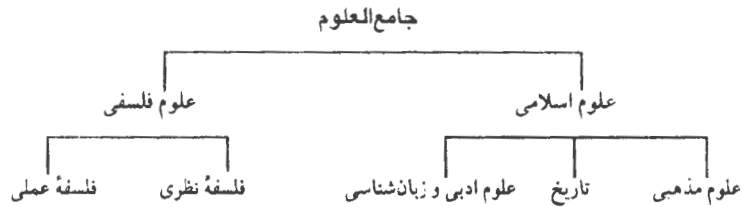
الف. علوم اسلامی شامل علوم مذهبی (علم کلام، اصول فقه، علم

جدل، ادیان تطبیقی، علم خلاقیات، مذاهب، فرایض، میراث، علم وصایا، تفسیر قرآن، علم معانی قرآن، علم قرائت، حدیث، علوم لسانی یا زبانشناسی (صرف و نحو، اشتقاق، امثال، عروض، علم قوافی، علم بدیع شعر و نثر، معانی شعر [عرب]) و تاریخ (علم اسامی رجال مسلمان، تواریخ پیش از اسلام و اسلام)، مغازی (اسلامی)

ب. علوم فلسفی نیز شامل فلسفه نظری و فلسفه عملی به این شرح است.

- فلسفه نظری: منطق، طبیعیات نظری، علوم فرعی (شامل تعبیر روایا، علم فراست، طب، تشریح، صیدیه [داروشناسی]، علم خواص [اشیا]، کیمیا، علم جواهر [معرفة الاحجار]، طلسمات، فلاح، قلع آثار [پاک کردن پارچه]، بیطره [دامپزشکی]، بزازة [تربیت بازشکاری]، ریاضیات شامل هندسه، علم مساحت، علم اثقال یا اوزان، آلات جنگی، حساب هندی، حساب، جبر و مقابله، علم الآلة ثماطیقی یا علم اعداد، علم عدادالوفوق یا مربعهای «جادویی»، علم مناظر و مرایا (نور)، موسیقی، هیأت، نجوم، علم رمل^{۲۲۸}، علم عزایم^{۲۲۹}، الهیات به اضافه مقالات (مذاهب)

- فلسفه عملی: اخلاق، علم سیاسات (اداری و سیاسی)، تدبیر منزل، علم آخرت، علم دعوات (نیایشها)، آداب ملوک، شطرنج و انواع بازیها.



دیگر دایرةالمعارف اواخر سده ششم «فرخ نامه» (۵۸۰ هـ. ق) تألیف جمالی یزدی است که همچون نزهت نامه، جنبه عامیانه دارد و به قصد اصلاح و تکمیل نزهت نامه تدوین شده و شامل ۱۶ فصل است که عبارتند از

۱. خواص مرد، زن، کودک، خواص طبی، خفیه و دیگر خواص قسمتهای مختلف بدن
۲. کاربرد و خواص مرغان، حشرات و خزندگان
۳. درختان، گیاهان عطری، سبزیها، دانه ها و ...
۴. علفها (حشایش)
۵. صمغها
۶. سنگهای قیمتی، فلزات و سنگهای معدنی
۷. در شناخت داروهای گیاهی
۸. روغنها، علم فراست
۹. علم اکتاف^{۳۳۰}، اصول نجوم و جدولهای آن
۱۰. اختلاج^{۳۳۱}، جدول ایام سعد و نحس (جدول حیات و ممات)،

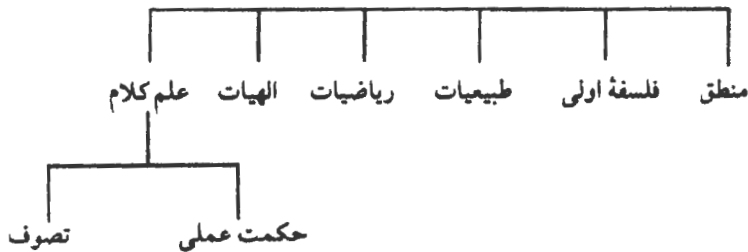
معنی کلمات پهلوی

۱۱. زهرها و پادزهرها، حکایاتی در این باب
۱۲. چگونگی حل کردن طلا، مروارید، طلق و برنج
۱۳. حیل‌های سرگرم‌کننده، حیل‌های فن کتابت و خطاطی
۱۴. طرز تهیه مهرها و خواتیم و رابطه آنها با کواکب
۱۵. دعوت کواکب و به‌کارگرفتن تأثیر آنها
۱۶. شرایط دیگر برای امداد از تأثیر کواکب (جامه‌های لازم، گیاهان

(بودادی)

«درة التاج لُغرة الديباج» (۷۰۵-۶۹۳ هـ. ق) تألیف قطب‌الدین شیرازی را نیز، از آنجا که همه رشته‌های حکمت نظری و عملی در آن مطرح شده است، می‌توان دایرةالمعارف فلسفی دانست. در این کتاب، علوم با تأثیرپذیری از طبقه‌بندی شفای ابن‌سینا و احصاء العلوم فارابی، به شش رشته منطق، فلسفه اولی، طبیعیات، ریاضیات، و علم کلام (شامل حکمت عملی و تصوف) و الهیات تقسیم شده است.

درة التاج



- «نوادراتبأدر لثحفةالبهادر» (۶۹۹ هـ. ق) تألیف شمس الدین دُنیسری
 نیز دایرةالمعارف دیگری است، که به ۱۲ فصل تقسیم شده است:
۱. اندر انواع علوم (منطق، طبیعی، الهیات، حساب، حساب هندو، ضرب و تقسیم، هندسه اقلیدسی)
 ۲. اندر علم ریاضی (فلک و قطبین، سیارگان هفتگانه، خواص کواکب، روابط میان کواکب در بروج دوازده گانه، منازل ماه)
 ۳. اندر چند نوع از فوائد نجومی و هندسی (اصطربلاب، دعوت کواکب، فن تهیه خواتیم، تقویم سیارگان هفتگانه، محاسبه طالع تحویل سال، محاسبه طالع موالید، محاسبه تسیرات)
 ۴. اندر نگاهداشتن تندرستی (هوای نیک و بد و تأثیر آن، آب نیک و بد، غذاهای نیک و بد و انواع آن، طبع و خواص دانه‌ها، سبزیجات، شیرینی‌ها، نوشابه‌های زیان‌آور، حرکات بدنی، بی‌حرکتی و انواع جامه‌ها)
 ۵. اندر احوال زهرها و دفع مصرف آن (چگونگی محدود کردن تأثیر زهرها، علایم مسمومیت، زهرهای معدنی و نباتی، زهرهای حیوانی و فن‌گزینش مارها و دیگر جانوران زهری، داروهای خنثی‌کننده زهر جانوران)
 ۶. اندر احوال جماع
 ۷. اندر علم جواهر (مروارید، یاقوت، زمرد، فیروزه، بیجاده [یا بدخشان]، شناخت سنگهای دیگر و خواص آنها از جمله عقیق یمانی، کهریا و سنگهای افسانه‌ای)

۸. علم فراست؛ اختلاج

۹. عجایب زمان (دریاها، شهرها، رودها، کوهها، بیابانها، عجایب گوناگون)

۱۰. خواص و امتیاز انسان، امتیازات جانوران وحشی، مرغان، حشرات و خزندگان، درختان، میوه‌ها، گیاهان و گلها

۱۱. اندر علم فلاح (زمان‌شناسی در کشاورزی، کشت نیک، شناخت زمین، تسریع رشد محصولات کشاورزی، و نیز نگاهداشت دانه‌ها در انبار)

۱۲. معجزات و کرامات انبیا و اولیا، نیرنجات، فضایل خواندن قرآن «نفائس الفنون فی عرایس الحیون» (۷۴۰ هـ. ق) اثر شمس‌الدین محمد بن محمود آملی، پس از جامع‌العلوم رازی در نوع خود کاملترین و مدون‌ترین دایرةالمعارف عصر خود بوده است که الگوی کار دایرةالمعارف‌نویسان بعدی قرار گرفته است. آملی علوم را در نقایس الفنون، به پیروی از جامع‌العلوم طبقه‌بندی کرده است. شمار علوم در نقایس الفنون، ۱۰۰ است که در دو رشته اصلی علوم اواخر (اسلامی) و علوم اوایل (فلسفی) قرار گرفته‌اند. و کلیات این دو طبقه به شرح زیر است:

۱- علوم اسلامی (علوم اواخر)

۱-۱- علوم ادبی و زبان‌شناسی (ادبیات)

علم خط، لغت‌شناسی، صرف، ریشه لغات، نحو، علم معانی، علم بیان، بدیع، عروض، علم توافی، شرح شعر،

امثال و حکم، علم دواوین، مکاتبات (انشا)، بایگانی (استیفا)

۱-۲- علوم مذهبی (شرعیات)

کلام، تفسیر، حدیث، اصول فقه، قرآت، علم خلاف، معاملات، ادعیه

۱-۳- تصوف

سلوک و طریقت، حقیقت، مراحل راه (مراسد)، علم حروف، فتوت

۱-۴- علوم تاریخی (محاوری)

حکایات تاریخی (محاورة)، تواریخ، زندگینامه‌ها، مذاهب، انساب، وقایع تاریخی مشهور (علم غزوات)، زیارات

۲- علوم فلسفی (علوم اوایل)

۲-۱- فلسفه (حکمت)

اخلاق، تدبیر منزل، سیاست

۲-۲- اصول حکمت

منطق، فلسفه اولی، الهیات، طبیعیات

۲-۳- ریاضی

هندسه، هیأت، حساب، موسیقی

۲-۴- فروع طبیعی

طب، کیمیا (طلسمات، نیایش، کواکب، عزائم)، تعبیر خواب،

علم فراست، نجوم، علم خواص، علوم دامپزشکی، تربیت

باز شکاری، پاک کردن پارچه‌ها، فلاحت، علم اکتاف، اختلاج،

علوم خفیه هندی.

۲-۵- فروع ریاضی

علم هیأت، مناظر^{۲۳۲}، متوسطات^{۲۳۳}، حساب، جبر، اندازه گیری، اشکال کواکب، اسطرلاب، تقویم، جغرافیای دیوانی (مسالک و ممالک)، علم عدادالوفق (مربعهای «جادویی»)، رمل، علم حیل، آلات جنگی، بازیها (شطرنج، نرد و بازیهای از این دست)

«مقدمه ابن خلدون» نیز از دایرةالمعارفهای ارزشمند این عصر است. مؤلف در «مقدمه» به رشته‌هایی می‌پردازد که رازی و آملی به آنها پرداخته‌اند:

فصل اول	تمدن اقوام
فصل دوم	زندگی شهرنشینی
فصل سوم	سلسله‌های حاکم و تاریخ (با در نظر گرفتن عوامل جغرافیایی آن زمان)
فصل چهارم	فلسفه عملی (سیاست و تدبیر امور)
فصل پنجم	علوم ادبی و زبان‌شناسی
فصل ششم	علوم مذهبی و فلسفی

ابن خلدون، جامعه‌شناس و مورخ است و وجه غالب نظر او نقد به آدمی است. او در این کتاب علوم مورد بررسی را نقد و حتی در مواردی آنها را رد کرده است. ابن خلدون نیز در مقدمه، در واقع علوم را به دو دسته اسلامی و فلسفی تقسیم کرده است و علوم اسلامی را شامل تاریخ

و جغرافیا، علوم مذهبی، علوم ادبی و زبان شناسی می داند و علوم فلسفی را به علوم فلسفی عملی و علوم فلسفی نظری تقسیم می کند:

فصلهای ۳ و ۴ و ۵ (علوم فلسفی عملی)	۱. علوم فلسفی
فصل ۶ (علوم فلسفی نظری)	
فصل ۱ و ۲ (تاریخ، جغرافیا)	۲. علوم اسلامی
فصل ۶ (علوم مذهبی، علوم ادبی و زبان شناسی)	

دوره دوم: عصر آشنایی با غرب

آشنایی ایرانیان در میانه قرن نوزدهم میلادی معادل قرن دوازدهم هجری قمری با دایرةالمعارف نویسی اروپایی، تحولات عمده ای در دانشنامه نویسی ایرانی ایجاد کرد که ما را ناگزیر از تفکیک ویژگیهای این دوره از دوره اول می کند که تا به امروز هم تداوم دارد. اولین تحول، «نامه دانشوران ناصری» است که تدوین آن در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، به سرپرستی شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، وزیر علوم وقت، آغاز شد. هیأت تدوین کتاب متشکل از تنی چند از علمای آن زمان بود که در اداره دارالتألیف گرد می آمدند و به کار مشغول می شدند: شمس العلماء عبدالرب آبادی، حاج میرزا ابوالفضل ساوجی، حاج میرزا

حسن طالقانی، حاج ملا آقا معروف به عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی، پدر علامه محمد قزوینی، و میرزا حسن طالقانی که به دلیل آن که بعدها به بابی‌گری روی آورد، پس از انتشار جلد نخست کتاب، اعتضاءالدوله او را از دارالتألیف بیرون کرد.

نامه‌ دانشوران، که می‌توان آن را در زمره دایرةالمعارفها محسوب کرد، شرح احوال عالمان، مشایخ، فقها، حکیمان، طیبیان و مؤلفان اسلامی است. در این کتاب، مطالب دایرةالمعارفی برای نخستین بار به صورت الفبایی - و نه موضوعی - ارائه شد. نخستین جلد نامه دانشوران با خط محمدرضا صفا، در ۱۲۹۶ هجری قمری به طبع رسید و پس از چاپ مجلد هفتم در ۱۳۲۴ که تا حرف ش (مدخل شاه نعمةالدولی) رسیده بود، کتاب نیمه تمام ماند.

«لغت‌نامه دهخدا» در واقع فرهنگ دانشنامگی عظیمی است که در تدوین آن، مرحوم دهخدا، ظاهراً بیش از اعلام به لغات زبان توجه داشته است. به عبارت دیگر ایشان جنبه واژگان را بیش از بسط و اشاعه معارف، مطمح نظر قرار داده‌اند. حتی مرحوم دکتر معین نیز در معرفی لغت‌نامه (بخش چهارم از مقدمه لغت‌نامه)، آنجا که ضرورت تدوین لغت‌نامه را بر می‌شمرد به نقصهای فرهنگهای زبان فارسی اشاره دارد و می‌نویسد که این همه فرهنگ که در ایران، هندوستان و ترکیه تا آن زمان تألیف شده است به هیچ‌وجه احتیاج جویندگان علم و ادب را بر نمی‌آورد. او چنین استدلال می‌کند که بعضی از فرهنگها مثل فُرس اسدی، صحاح‌الفرس و برهان قاطع فقط به لغات فارسی پرداخته‌اند و حتی لغات عربی را که در

فارسی استعمال دارند، در کتاب خود نگنجانند. از سوی دیگر برخی از فرهنگهای فارسی (مثل غیاث اللغات و آندراج) لغات فارسی و عربی مستعمل در فارسی را به طور ناقص جمع آوری و در اغلب موارد لغات را غلط ضبط کرده‌اند و در مورد معانی لغات یا همه معنیها را ذکر نکرده‌اند و یا معانی غلط به دست داده‌اند، بعضی از فرهنگها شاهد و مثال نیاورده‌اند و بعضی‌ها مثل جهانگیری، رشیدی، انجمن آرا و سروری فقط به ذکر شاهدهای شعر اکتفا کرده‌اند و به نثر نپرداخته‌اند، ... غرض از ذکر نکات فوق این است که بدانیم این دانشمندان معمولاً برای توجیه ضرورت لغت‌نامه، دایرةالمعارفهای پیشین را تحلیل و بررسی نکرده‌اند. به همین دلیل است که جنبه لغتنامگی آثار ما و به خصوص این کتاب بیش از اختصاصات دانشنامگی آن است و حتی می‌توان گفت که از حیث دانشنامگی، با نقضهای جدی رو به روست. نگاهی به وجه تسمیه کتاب مرحوم دهخدا نیز این نکته را گویاتر می‌کند. در طرح اصلی ماده واحده‌ای که در ۲۵ دیماه ۱۳۲۴ هجری قمری به تصویب مجلس شورای تقدیم شد، کتاب به نام دایرةالمعارف فارسی و دایرةالمعارف علی اکبر دهخدا ذکر شده است، ولی در ۱۶ اسفند ۱۳۲۴ به صورت «کتاب لغت آقای دهخدا» و در ۱۶ اسفند ۱۳۲۵ به صورت «فرهنگ آقای دهخدا» به تصویب رسیده است. آقای دکتر معین می‌نویسند که «مرحوم دهخدا از اطلاق نام پرتنطنه دایرةالمعارف و فرهنگنامه خودداری کرده است و چون نخستین فرهنگ موجود فارسی، فرهنگ اسدی است که مؤلف به آن نام لغت‌نامه داده بود، [...] بدین

مناسبت مرحوم دهخدا به دوره لغت خویش نام لغت نامه دهخدا دادند. آیا کتابهایی چون رسائل اخوان صفا، احصاء العلوم فارابی، مفاتیح العلوم خوارزمی و غیره که اصولاً در زمره دایرةالمعارفهای دوره اول فارسی قرار می گیرند، الهام بخش مرحوم دهخدا نبوده اند؟

نامهای خاص یا به اصطلاح «اعلام رجال و اماکن» نیز که مطمح نظر مرحوم دهخدا بوده است و ایشان علاقه مند به ضبط آنها بوده اند، جایگاه مساوی با لغات ندارند.

به هر حال «لغتنامه» فرهنگ لغتی است دایرةالمعارف گونه و محصول مطالعات و کوششهای خستگی ناپذیر کمابیش پنجاه ساله استاد علامه، علی اکبر دهخدا و گروهی از یاران او که سازمان لغتنامه را تشکیل داده اند. دکتر سید جعفر شهیدی (سرپرست فعلی سازمان لغتنامه) و دکتر محمد دبیر سیاقی، اکنون بیش از سی سال است که مدتی به رهبری خود علامه دهخدا و پس از وفات ایشان (۱۳۳۴ هـ. ش) با همکاری و نظارت دکتر محمد معین و پس از وفات دکتر (۱۳۵۰ هـ. ش) همچنان به تکمیل تدوین و انتشار لغتنامه ادامه می دهند. نخستین دفتر لغتنامه در ۱۳۲۵ هجری شمسی و آخرین آن در ۱۳۵۹ منتشر گردید و کل دوره بالغ بر ۲۲۱ دفتر و بیش از ۲۵ هزار صفحه است و در تهیه آن - از آغاز تا پایان که در حدود پنجاه سال طول کشیده - یکصد و سی و یک نفر همکاری کرده اند، که فهرست اسامی و نوع و میزان همکاری شان در تکمیل مقدمه (منتشر شده به سال ۱۳۶۰ هـ. ش) آمده است.

این اثر شگرف که با تهیه بیش از دو میلیون فیش از متون معتبر استادان

نظم و نثر فارسی و عربی و لغتنامه‌های چاپی و خطی و کتب تاریخ و جغرافیا و علوم طب و نجوم و ریاضی و حکم و کلام و فقه و غیره فراهم شده است، علاوه بر اینکه تقریباً محتوی تمامی لغت‌های فرهنگی خطی و چاپی مهم فارسی و عربی است، هزاران لغت، ترکیب، کنایه و مثل متخذ از متون نظم و نثر و دیگر آثار علمی و ادبی را به همراه با اعلام رجال و اماکن جغرافیائی و اصطلاحات علمی در خود دارد.

و امّا، نقطه عطف در دانشنامه‌نویسی دوره دوم، «دایرةالمعارف فارسی» به سرپرستی مرحوم دکتر مصاحب است که تدوین آن از ۱۳۴۵ هجری شمسی شروع شد و پس از گذشت ۲۵ سال به اتمام رسید. این کتاب، نخستین دایرةالمعارف فارسی است که از سال ۱۳۳۵ هجری شمسی با هدف ترجمه یک دایرةالمعارف کوچک فارسی براساس دایرةالمعارف کوچک یک جلدی کلمبیا وایکینگ (چاپ نیویورک ۱۹۵۳ م. شامل ۱۰۹۲ صفحه و ۳۰/۰۰۰ مقاله)، به سرپرستی مرحوم دکتر مصاحب و با پشتیبانی و سرمایه‌گذاری اشرف پهلوی و مؤسسه انتشارات فرانکلین تهران و با همکاری جمعی از فضلا و محققان و مترجمان ایرانی آغاز شد. ولی از آنجا که کلمبیا برای مخاطبان آمریکایی - و نه ایرانی - تهیه شده بود و پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی فارسی‌زبانان نبود، دست در کاران دایرةالمعارف فارسی مصمم شدند از روشی مرکب از ترجمه و تألیف سود جویند. برای مثال تعداد مقالاتی که درباره مذهب و تاریخ و جغرافیا و ادبیات و تمدن ایران برای مخاطبان آمریکایی در کلمبیا آمده بود از ۱۰۰ تجاوز نمی‌کرد، حال آنکه به زعم

متولیان این اثر در دایرةالمعارف عمومی که بالاخص ناظر به احتیاجات ایرانیان است، باید لااقل ۱۰۰۰۰ مقاله به این مسائل اختصاص داده می‌شد. کتاب در نوع خود، نخستین دایرةالمعارفی است که مراحل مختلف تألیف آن از قبیل ضبط عنوانها، تنظیم مقاله‌ها، ضبط تلفنها، علامتهای اختصاری، نقطه‌گذاری، نقل اعلام خارجی به زبان فارسی، ارجاعات و ... صورتی نظام‌مند دارد و سر تا سر دایرةالمعارف از این نظر یکدست است. درباره‌ی عناوین، اعم از عام یا خاص، اطلاعاتی دقیق و منظم و به تناسب حجم کتاب کمایش اجمالی ارائه شده است. به هر حال کار دایرةالمعارف فارسی پس از انتشار جلد اول «ا-س» (۱۳۴۵ ه. ش) مدتی متوقف ماند و سرپرستی تهیه‌ی مقالات در سال ۱۳۵۰ به رضا اقصا و سرپرستی فنی آن به استاد احمد آرام سپرده شد و جلد دوم «ش-ل» (۱۳۵۶ ه. ش) پس از ۱۰ سال و جلد سوم «م-ی» (۱۳۷۴ ه. ش) آن هجده سال پس از انتشار جلد دوم به چاپ رسید.

فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان

فرهنگنامه، نامی است که شورای کتاب کودک، بر دانشنامه‌ای عمومی که برای مراجعه‌کنندگان کودک و نوجوان ۱۰ تا ۱۶ ساله ایرانی، در دست تألیف دارد نهاده است. چاپ و نشر فرهنگنامه در ۱۶ جلد با حدود ۵۰۰۰ موضوع در ۶۰۰۰ صفحه که دست کم ۱۵۰۰ صفحه آن نقشه‌ی جغرافیایی، تصویر، نقاشی و نمودار است پیش‌بینی شده است. تدوین کتاب از سال ۱۳۵۸ هجری شمسی زیر نظر توران میرهادی، و شورای

ویراستاران و با مشارکت دهها مشاور و پدیدآورنده و ویراستار آغاز شده است. انتخاب عنوانها (مدخلها) با توجه به فهم و درک و نیاز مخاطبان موردنظر و با معیارهایی چون نیازهای کودکان و نوجوانان، دانش پایه و توانایی درک و فهم آنها، ضرورت ضبط موضوعهایی که کودکان و نوجوانان ایرانی با آنها سر و کار دارند و جامع بودن مجموعه عنوانها در هر یک از رشته‌های دانش انسانی تعیین شده است. در تدوین کتاب به ایران و فرهنگ و تمدن اسلامی توجه خاصی شده است و کتاب، آگاهیهای جامعی درباره ایران، اسلام، ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیای ایران، مردم‌شناسی و هنر ایرانی و اسلامی و جنبه‌های گوناگون زندگانی مردم ایران به دست می‌دهد. حرف الف شامل ۷۸۴ مقاله، ۱۵۷ عنوان ارجاعی، ۱۷۴۰ تصویر، ۱۹۱ نقشه، ۱۳۰ نمودار و جدول است و جلد‌های یکم تا چهارم کتاب را تشکیل می‌دهد.

دوره سوم: عصر دانشنامه‌نویسی علمی فارسی

تحولی که خصوصاً در نیمه دوم قرن بیستم در تاریخ دانشنامه‌نویسی غرب ایجاد شد، تاکنون که به قرن بیست و یکم میلادی پا گذارده‌ایم تأثیر عملی و حتی نظری بر دانشنامه‌نویسی فارسی نگذاشته است. دانشنامه‌های ما، اگرچه همگی ارزشمندند، ولی هنوز به شیوه‌های سنتی و به سبک قرون هجدهم و نوزدهم میلادی اروپا تدوین می‌شوند. اصولاً تدوین مجموعه‌های اطلاعاتی، دانشی است تخصصی و معرفتی است که خود در دایرة معارف بشری با نام حفظ و پرورش و اشاعه معارف

مشخص می‌شود، اما این تحول در روح دانشنامه‌نویسی و فرهنگ‌نویسی هنوز در کشور ما وجهه خود را نیافته است.

پرسشی که مطرح است این است که آیا «در زمانی که لحظه چون قرن است، در زمانه چگونه باید زیست؟» آیا می‌توان هنوز به روشهای سنتی دانشنامه نوشت؟ آیا این موج عظیم جویندگان و متقاضیان، یعنی جوانان این وطن، نباید همگام با جوانان دیگر جهان از طریق دایرةالمعارف در جریان تحولات روزافزون علم و معارف قرار گیرند؟ دیگر آنکه آیا تدوین یک دانشنامه بزرگ راه حل است؟ دانشنامه بزرگی که بیم آن می‌رود با الگوهای سنتی و سرعت و فرصتی که داریم، در نیمه‌های سده بیست و یکم به بار آید؟

ظاهراً در حال حاضر ترجمه دایرةالمعارفهای عظیم چون بریتانیکا و اونیورسالیس نیز نه راه‌گشا و نه مقتضای شرایط فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه است. سرعت ترجمه اطلاعات گسترده این دایرةالمعارفهای چند ده‌هزار صفحه‌ای، هرگز نمی‌تواند با سرعت پیشرفت معارف بشری و تغییر دایم این دایرةالمعارفها برابری کند. از طرفی، می‌دانیم که دایرةالمعارفهای موفق امروز جهان پیشینه‌ای چند صد ساله داشته‌اند. بروکهاوس، اونیورسالیس، لاروس و بریتانیکا و آمریکانا و مانند آنها با پیمودن ره صد ساله، به این درجه از تکامل رسیده‌اند که تحلیل عملکرد آنان، کشف رمز الگوها و سپس متناسب‌سازی آن با الگوهای خاص این مرز و بوم زمانی بسیار طولانی می‌طلبد و تقلید از آنان راهکار مناسبی نیست.

از این رو به نظر می‌رسد ما نیز باید با توجه به امکانات و محدودیتهایی که داریم، راه خود را جست و جو، تعیین و دنبال کنیم. باید روشهای جدید و به رسمیت شناخته شده و مورد تأیید دانشنامه‌نویسی جهان نوین را بشناسیم. ضمناً می‌باید میان هدف و برنامه دستیابی بدان تناسب و توازن برقرار شود. پس باید هدف را نیز قابل دسترسی کنیم و در گام اول نهال دانشنامه فارسی را بنشانیم. این نهال، دانشنامه‌ای است که بنیاد، نام «دانشنامه فشرده فارسی» را بر آن نهاده است. «دانشنامه فشرده فارسی» از یک منظر، مقیاس کوچکتر و به واقع پیش آزمون دانشنامه بزرگ فارسی است که پس از تدوین و انتشار آن، فرصت بازبینی و متناسب سازی آن با نیاز روز حاصل می‌شود و از سوی دیگر با همتی که پروردگار هستی به ما عطا خواهد کرد، امکان خواهیم یافت مرحله به مرحله دانشنامه بزرگ فارسی را نیز که هدف اصلی بنیاد را رقم می‌زند، بر پایه همین تلاش مقدماتی تهیه کنیم و به این ترتیب هم نیاز عاجل جامعه بر آورده می‌شود و هم برآوری نیاز آجل نسل جوان پایه گذاری خواهد شد.

به یاری پروردگار دانشنامه بزرگ فارسی، آنگونه که به آن امید بسته‌ایم می‌تواند نقطه عطف دوره دوم و سرآغاز دوره سوم دانشنامه‌نویسی فارسی باشد و در زمانه‌ای که از تهاجم فرهنگی غرب سخن می‌رود و موضوع گفت و گوی تمدنها مطرح می‌شود، دانشنامه بزرگ فارسی می‌تواند از سویی ابزار تعالی علم و دانش و فرهنگ فارسی‌زبانان باشد و از سوی دیگر ابزار مهمی برای حضور ایرانیان در

صحنه گفت و گوی تمدنها به شمار آید و به نوبه خود ارزشهای والای معنوی، فرهنگی و ملی ما را بنمایاند و بازتاب جهان بینی دینی و عرفانی ما باشد.

فصل سوم

دانشنامه بزرگ فارسی (د.ب.ف)

دانشنامه بزرگ فارسی (د. ب. ف)

دایرةالمعارفی که در بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی تدوین خواهد شد، بر مبنای قیاس و تشبیه، کشف و ادعای شباهت (آنالوژی) استوار است. تشبیه جهان معارف به جهان هستی که وجه شبه آن جامعیت و وحدت است:

«عالم» کلّیتی است که به طور نظام‌مند ساخته و پرداخته شده است. «عالم» جامع همه چیز است. هیچ چیز از آن خارج نیست و هر رخدادی درون آن اتفاق می‌افتد. و دایرةالمعارف نیز، اگر در عمل چنین نباشد، دست کم نوع آرمانی آن، می‌باید جامع کلّ معارف بشری باشد. بنابراین کل عالم هستی را، آنگونه که بشر به آن معرفت یافته است، می‌توان با کل معرفت‌های بشری مقایسه کرد. و جهان هستی، آنگونه که بشر به آن پی برده است، شباهت بسیار با ساختار معرفتی دارد که بشر از جهان آموخته است. در واقع «معارف بشری»، بازتابی است از شناخت بشر و دانشنامه (یا دایرةالمعارف) نیز گزارشی است از همین شناخت. دایرةالمعارف در واقع گزارشی است از هر آنچه در عالم وجود دارد و می‌توان به همه آن

معرفت یافت، بازتابی است از دریافت بشر از کلّ جهان هستی و مجموعه‌ای است که به نوبه خود درپچه‌ای بر روی جهان می‌گشاید. به عبارت دیگر معارف بشر، مجموعه نظام‌مندی است که با کل جهان هستی قابل قیاس است و تأثیر و تعامل اجزای آن نیز نمی‌تواند با تأثیر و تعامل اجزای عالم هستی قابل قیاس نباشد. بنابراین در تنظیم دایرةالمعارفها در واقع به دنیای شناخت و معرفت بشر می‌پردازیم.



تا هوا رنگ آفتاب گرفت رخت بر بست از میانه ظلام
روز و شب با هم آشتی کردند کار عالم از آن گرفت نظام

عالم هستی نظامی است که تا آنجا که بینش علمی بشر، به شناخت آن اجازه داده است از میلیونها نظام کهکشانی، و هر نظام کهکشانی از میلیاردها ستاره و سیاره تشکیل شده است که بسیاری از این ستاره‌ها، با سیاره‌های پیرامون خود، نظامها یا منظومه‌های سیاره‌ای را به وجود می‌آورد. و زمین یکی از سیاره‌های منظومه خورشیدی و به مثابه یکی از یاخته‌های این منظومه است که به نوبه خود نظامی است که از نظامهای گوناگون خاص خود از نظر جو، اقلیم، آبها و خشکیها، گیاهان و جانوران و... تشکیل شده است. و انسان جزئی است از این نظام بزرگ، که هر چند در قیاس با نظام عالم کبیر، برآستی همچون رقمی است که بر بحر کشیده شود، لیکن در قیاس با نظامهای متشکله خود، یک کل است. و انسان، این دور مانده از موطن اصلی خود، این هُدهُد غریب بسته پای شهر سبا، این مرغ باغ ملکوت، که یک دور روزی قفسی از بدنش ساخته و به ناسوت، و

به عالم خاکش فرستاده‌اند، در هر نقطه‌ای از زمان به فراخور مشاهده و تجربه یا آموخته‌ها و اندوخته‌هایش و با بکارگیری قوه تعقل و توانش نطق و منطق، حیوان ناطق و اشرف مخلوقات و برتر موجودات، و خلیفه خالقش بر روی زمین گشته و چنان شناختی از عالم یافته است که او را «عالم صغیر» نامیده‌اند. از آن جهت که به قول عارفان هر آنچه در عالم عیان مظهر است، جملگی در او مضمّن است. از آن روی که گویی چون آیینه‌ای بازتابنده ذات و صفات و اسماء است:

ای نسخه نامه الهی که تویی

وی آینه جمال شاهی که تویی

بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست

در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

و اصولاً تمام موجودات، آینه حق‌اند، که هر ذره را از جمال خود دیداری و رخساری دگر داده است.

و انسان با اعجاب و با حیرت، حسن بی‌پایان یار را تحسین می‌کند و از وصف کمال او اظهار عجز می‌نماید ... و معرفتی که انسان از تعینهای اعتباری یافته است، به مصداق «العلم صورة الحاصله فی الشیء» چیزی جز انعکاس ذهنیت بشر از عالم هستی نیست. همان ذهنیتی که خمیرمایه زبان را می‌سازد و این نکته در مورد نوع بشر از آغاز تاکنون، و نیز در جوامع گوناگون بشری، و حتی در مورد هر فرد انسانی، از کودکی تا پیری صادق است و این ذهنیت و زبان، به تعبیر ما از کلیت تا فردیت، همانا آینه تمام‌نمای شناخت بشر از کل عالم است و به گونه‌ای نظام یافته است که به زعم ما، دقیقاً با نظم و انتظامی که بشر از جهان دریافت می‌کند مطابقت

دارد.

طبقه‌بندی معارف

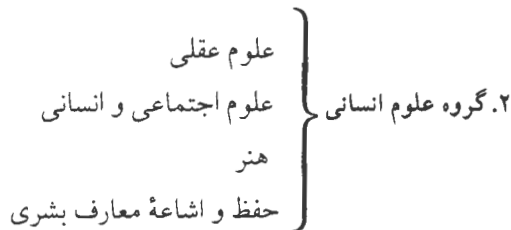
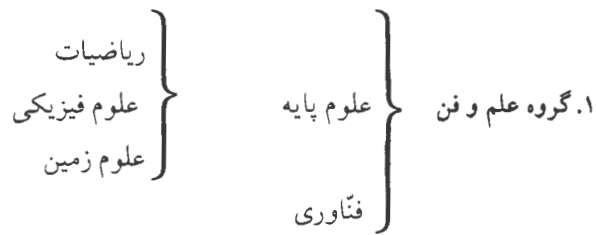
اصولاً هر دایرةالمعارفی بازتاب نگرش دست در کاران آن نسبت به کلّ جهان است، خواه این نگرش پیش از تدوین دایرةالمعارف به صورت «پرویدی» طراحی شده باشد (مانند بریتانیکا و نیز مانند دایرةالمعارف قیاسی مورد نظر ما)، خواه صرفاً به صورتی انتزاعی در کار دایرةالمعارف اثر گذاشته باشد. به هر حال رابطه پرویدی و دایرةالمعارف مانند طبع روان شاعر است و سروده‌هایش، یا ذوق نقاش به آثارش، یا آنکه به بوی دلاویز آن گلی می‌ماند که سعدی در حمام روزی، رسید از دست محبوبی به دستش ...

از علوم و معارف بشر، در طول تاریخ علم، تقسیم‌بندیهای گوناگونی به دست داده شده است. ضمن مطالعه این تقسیم‌بندیها، طبقه‌بندی آدلر در پرویدیا یا مقدمه دایرةالمعارف بریتانیکا، بیش از همه نظر ما را جلب کرد. البته این بدان معنا نیست که از او تقلید کرده‌ایم، بلکه نوگرایی او شباهتهایی با طبقه‌بندی ما داشته است. و به نظر ما هر سازمانی که دست در کار تدوین آثاری چون دایرةالمعارفها و فرهنگها- و به طور کلی مجموعه‌های اطلاعاتی و واژگانی و ارجاعی- باشد، می‌باید برنامه کار را با جهان‌بینی خاصش و با توجه به فرهنگ و زبان به فراخور نیاز مخاطبانش وفق دهد. ذکر این نکته ضروری است که یکی از بخشهایی که در طبقه‌بندی ما از معارف بشری در دانشنامه حاضر، به تأسی از طبقه‌بندی آدلر در بریتانیکا ارائه شده است، بخش مربوط به «حفظ و اشاعه دانش» است. این بخش مجموعه روشها، فنون و نهادهایی را

معرفی می‌کند که در امر حفظ و اشاعه دانش به کار می‌آیند. از آن میان مقالات مربوط به معرفی موزه‌ها و گالری‌ها (موزه‌های علوم طبیعی، موزه‌های علوم کاربردی و فن آوری، موزه‌های مردم‌شناسی، گالری‌های هنری و...)، مکانهای تاریخی، مجموعه‌های گیاهان و جانوران (باغهای وحش، جنگلها، گردشگاهها، ...)، مجموعه‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات (فرهنگها، واژه‌نامه‌ها، دایرةالمعارفها، اتلسها و نقشه‌ها، کتابخانه‌ها، بایگانیها، داده‌های اطلاعاتی، ...)، نهادهایی چون دانشگاهها، آموزشگاهها، موسسات انتشاراتی و مطبوعاتی، رادیو و تلویزیون، افلاک‌نماها، ...) در دایرةالمعارف گنجانده خواهد شد. و بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی به عنوان یکی از نهادهای بازیافت و نشر معارف، می‌کوشد که از طریق مجموعه‌های گوناگون (دانشنامه، فرهنگها، نشریات متنوع و سایر تولیدات انتشاراتی) «آنچه را دانستنی است» در دسترس فارسی‌زبانان قرار دهد. به هر حال تقسیم‌بندی ما از علوم، خاص بنیاد دانشنامه است و طبق آن، علوم و معارف بشری به ۹ بخش تقسیم شده است:

۱. علوم زمین (زمین‌شناسی، آب‌شناسی، علوم جوی، آب و هواشناسی، جغرافیای طبیعی، ...)
۲. علوم فیزیکی (فیزیک، شیمی، نجوم)
۳. ریاضیات
۴. علوم زیستی و پزشکی (زیست‌شناسی، پزشکی و رشته‌های وابسته آن)
۵. علوم عقلی (فلسفه، منطق، عرفان، کلام، فقه و اصول، الهیات، علوم دینی، ...)

۶. علوم اجتماعی و انسانی (جامعه شناسی، قوم شناسی، مردم شناسی، سیاست، اقتصاد، روان شناسی، زبان شناسی، تاریخ، باستان شناسی، جغرافی، ...)
۷. فن آوری و علوم کاربردی (کشاورزی و تولید محصول، صنایع، حمل و نقل، پردازش اطلاعات و نظامهای ارتباطی، ...)
۸. هنر (ادبیات، هنرهای نمایشی، نقاشی متحرک، سینما، موسیقی، رقص، معماری، پیکر تراشی، طراحی، نقاشی، حکاکی، عکاسی، هنرهای تزئینی، ...)
۹. حفظ و اشاعه معارف بشری
- از آنجا که در نمودار سازمانی بنیاد سه گروه تخصصی برای تدوین دانشنامه ها پیش بینی شده است، به یک تعبیر می توانیم تقسیم بندی ۹ بخشی علوم و معارف بشری را در این سه گروه بزرگ جایگزین کنیم:



۳. گروه علوم پزشکی } علوم زیستی و پزشکی

هر یک از این بخشها به صورت یک نظام واحد در دایره‌ای، درون دایره کل معارف تصویر می‌شود و این بخشها از طریق شبکه معنایی با یکدیگر ارتباط دوجانبه و در مجموع روابط متقاطع دارند. هر یک از این ۹ بخش می‌تواند در مرکز دایره قرار بگیرد و معارف دیگر، گرداگرد آن بنشینند. این بدان معنا نیست که در تنظیم دایره‌المعارف، هیچ معرفتی به معارف دیگر تقدم ندارد؛ بلکه هر یک می‌تواند بی آنکه در ارتباطی که با سایر معارف دارد، خدشه‌ای وارد شود، نقطه توجه و کلید مراجعه به دایره‌المعارف باشد. از سوی دیگر هر یک از این ۹ بخش، تقسیماتی دارد. مثلاً ریاضیات به ۶ بخش تقسیم می‌شود:

جبر، هندسه، آنالیز، نظریه اعداد، نظریه مجموعه‌ها، توپولوژی که باز هر یک از این بخشها به بخشهای فرعی تر تقسیم می‌شوند. مثلاً «آنالیز» به ۸ بخش تقسیم می‌شود:

نظریه احتمالات، آنالیز برداری، آنالیز تانسوری، آنالیز حقیقی، آنالیز مختلط، معادلات دیفرانسیل، آنالیز تابعی، آنالیز فوریه. و باز هر یک از این بخشها تقسیماتی دارند. برای مثال آنالیز فوریه به ۳ بحث اصلی تقسیم می‌شود:

نظریه مجموعه‌های فوریه، تبدیل انتگرالی و آنالیز همساز، آنالیز فوریه و گروههای غیر آبلی و باز موضوعات دیگری چون دیفرانسیل، معادله، مشتق گیری، مسأله دیریکله، انتگرال گیری، عدد حقیقی، نظریه احتمال و... در دایره تقسیمات آنالیز فوریه و گروههای غیر آبلی قرار می‌گیرد.

و قیاس در دایرةالمعارف قیاسی به گونه‌ای است که دو یا چند موضوع را چنان به هم متحد می‌کند که تفکر در مورد هر یک از آنها، موضوع دیگر را به خاطر می‌آورد و این فراخوانی اندیشه‌ها یا تداعی معانی است. مثلاً در ریاضیات «معادله»، که یکی از موضوعات «آنالیز» است، در مرکز دایره‌ای قرار می‌گیرد که موضوعات مربوط به آن روی مدارِ برگرد آن می‌نشینند و مجموعه‌ای را به وجود می‌آورند که در دو مقوله قابل بررسی است:

الف. مقولهٔ صوری: در این مقوله موضوعاتی قرار دارند که از نظر صورت به «معادله» مربوطند همانند معادلهٔ کامل، معادلهٔ سهموی، معادلهٔ بیضوی، معادلهٔ لاپلاس ...

موضوعات مقولهٔ صوری شباهت ظاهری با موضوع مرکز دارد و از ظاهر و صورت هر یک می‌توان تصویری از ظاهر و صورتِ موضوع مرکزی متصور شد. در ضمن، این موضوعات صوری بین خود نیز شباهتهای ظاهری و صوری دارند.

اگر موضوع مرکز را با a نشان دهیم و موضوعاتی را که از نظر صوری با آن مربوطند به عنوان مجموعهٔ واحدی به نام F در نظر بگیریم، اجزای این مجموعه به ترتیب $f_1, f_2, \dots, f_n$ هستند و رابطهٔ قیاس با فرمول زیر نمایش داده می‌شود:

$$f_i \in F$$

رابطهٔ قیاس معمولاً بین یکایک موضوعات روی مدار برقرار است.

یعنی:

$$f_j \leftrightarrow f_i$$

ب. مقوله معنایی یا مفهومی: که در آن موضوعاتی قرار دارند که از حیث مفهوم با موضوع مرکز مربوطند همانند دیفرانسیل، مشتق‌گیری، انتگرال‌گیری، فرایند مارکوف، اختلال.

این موضوعها نیز با موضوع مرکز نوعی رابطه قیاسی دارند. رابطه‌ای که گرایش به مرکز دارد و مرکزگراست. و چون این رابطه بین هر یک از موضوعات روی مدار با موضوع مرکز و برعکس وجود دارد، رابطه‌ای است دو جانبه.

بنابراین از سوی دیگر، اگر موضوع مرکز را با a نشان دهیم و موضوعاتی را که از نظر معنایی و مفهومی با آن مربوطند به عنوان مجموعه واحدی با S در نظر بگیریم، اجزای این مجموعه به ترتیب $s_1, s_2, s_n, \dots$ هستند و رابطه قیاس در این مقوله با فرمول زیر نمایش داده می‌شود:

$$s_i \in S$$

به طور کلی در تدوین دایرةالمعارف قیاسی، پیکره مقالات به صورت مجموعه منسجم و ساختاری در نظر گرفته می‌شود و بر خلاف دایرةالمعارفهای الفبایی که ضبط مطالب آنها با اجزا شروع می‌شود، ضبط مطالب در این نوع دایرةالمعارف از کل آغاز می‌گردد. به عبارت دیگر، از آنجا که معارف بشری بازتاب ذهنیت بشر است و ذهنیت بشر نیز به گونه‌ای نظام یافته است که با نظام کل جهان هستی مطابقت دارد، بنابراین ساختار دایرةالمعارفها (و فرهنگها)ی قیاسی اصولاً به همان گونه که ذهنیت بشر تشکل یافته است، شکل می‌گیرد.

در واقع این مجموعه‌های شناختی و معرفتی برپایه جهان‌بینی «کثرت

در وحدت» تنظیم می شوند؛ کثرت یا به قول حافظ نقش پراکنده در مقابل وحدت یا ورق ساده:

خاطرت کی رقم فیض پذیرد هیئات

مگر از نقش پراکنده ورق ساده کنی

و عالم شهود و تعین، مظهر وحدت حقیقی است. همان وحدتی که به قول عراقی تاب انوار جمالش بهر اظهار کمال، بر ظلمت آباد جهان پرتو انداخته و نورش در لباس این و آن، آوازه در گون و مکان انداخته است:

روی خود را گفته ظاهر شو به هر صورت که هست

پس به عالم در، ندای کن فکن انداخته

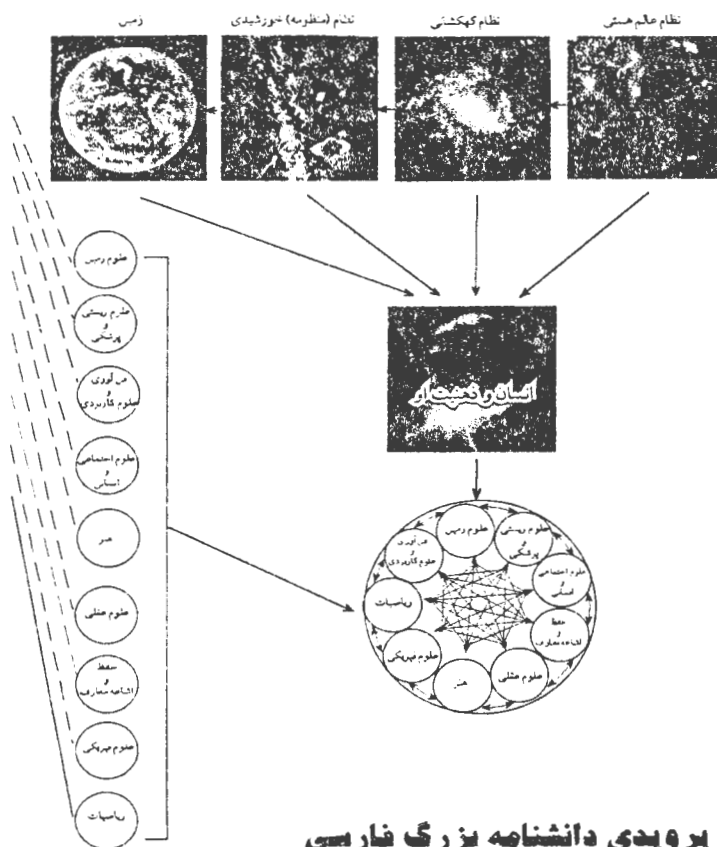
خود همی هستی شده وانگه برای روی پوش

نام هستی، گه بر این و گه بر آن انداخته

دایرةالمعارف قیاسی بازتاب همین جهان بینی است و در تدوین آن کوشش می شود که با بهره گیری از آخرین یافته های دایرةالمعارف نویسی که حاصل علم زبان شناسی و واژگان شناسی است، تصویری زنده از مجموعه معارف به دست داده شود. به ترتیبی که مراجعه کننده با کلیدی که می شناسد و به واسطه آن به سراغ دایرةالمعارف می آید، از طریق شبکه نامرئی که در سراسر دایرةالمعارف، اجزا یا کثرات را به وحدت می پیوندد، از موضوعی به موضوع دیگر، از واژه ای به واژه دیگر، و از شناخته ها به ناشناخته ها برود و اگر اهل بشارت باشد، با اشارتی به معرفت وحدت برسد.

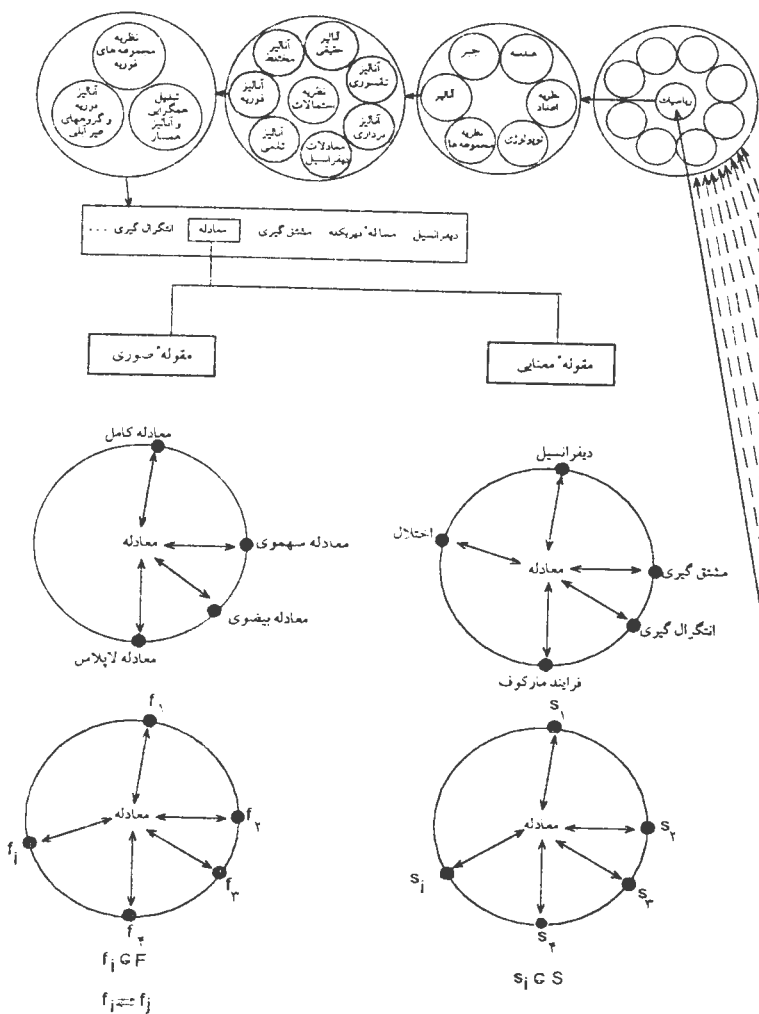
این نمود و بود عالم از کجاست ؟
در حقیقت این که کثرت را بقااست

گونه حسنش دائما* در جلوه است
از تجلی جمال وحدت است



پروپدی دانشنامه بزرگ فارسی

طراحی و تدوین: دکتر مهشید مشیری
عضو هیأت علمی بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی



یادداشتها

- 1 - encyclopédie
- 2 - paidagogós
- 3 - pédologie
- 4 - pédophilie
- 5 - pédagogie
- 6 - François Rabelais (1494–1553)
- 7 - Pantagruel (Horribles et Épouvantables Faits et Prouesses du trèsrenmè)
- 8 - Garden of Delights, Hortus deliciarum
- 9 - dictionnaire
- 10 - Cyclopedia
- 11 - Fr. encyclopédie En. encyclop(a)edia It. enciclopedia
Neth. encyclopedie GER. enzyklopädie Rus.entsiklopedia
Braz. enciclopédico Fa. ancyklopedi
- 12 - Paul Scalich
- 13 - Encyclopaedia: seu, orbis disciplinarum, tam sacraum quam
prophanum epistemon ...

- 14 - Pliny
- 15 - Historia naturalis
- 16 - Titus
- 17 - Julius Pollux
- 18 - Onomastikon
- 19 - Commodus
- 20 - St. Isidore
- 21 - Seville
- 22 - Sisebut
- 23 - Speculum majus
- 24 - Vincent de Beauvais
- 25 - Constantine VII
- 26 - Alfonso X
- 27 - Grande e general estoria
- 28 - Speusippos
- 29 - Marcus Porcius Cato
- 30 - Cassiodorus
- 31 - Institutiones
- 32 - Marcus Terentius Varro
- 33 - Disciplinarum Libri IX
- 34 - Salomon
- 35 - Dictionarium Universale
- 36 - Martianus Capella
- 37 - Satyricon
- 38 - Etimologiarum sive originum Livri XX
- 39 - Rabanus Maurus

-
- 40 - Suidas
 - 41 - Sir Francis Bacon
 - 42 - Instauratiomagna
 - 43 - Brême Mathias Martini
 - 44 - Idea Methodica
 - 45 - Antonio Zara
 - 46 - Anatomia Ingeniorum et Scientiarum
 - 47 - Encyclopaedia
 - 48 - Johann Heinrich Alsted
 - 49 - Louis Moreri
 - 50 - Le Grand Dictionnaire Historique
 - 51 - Pierre Bayle
 - 52 - Dictionnaire historique et critique
 - 53 - Cyclopaedia
 - 54 - Ephraim Chambers
 - 55 - Planche
 - 56 - Denis Diderot (1713–1784)
 - 57 - Encyclopédie ou Dictionnaire raisonné des sciences, des arts et des métiers
 - 58 - Jean Le Rond d'Alembert (1717–1783)
 - 59 - Brunetto Latini (1220–1297)
 - 60 - Pic de la Mirandole (1463–1494)
 - 61 - Le Breton
 - 62 - Gua de Malves
 - 63 - Voltaire (1694 –1778)
 - 64 - Montesquieu (1689–1755)

-
- 65 - Conte de Buffon (1707–1788)
66 - Jean – Jacques Rousseau (1712–1778)
67 - Louis Jean – Marie Daubenton (1716–1800)
68 - Paul Henri Holbach (1723–1789)
69 - Louis de Jaucourt (1704–1779)
70 - Vincennes
71 - Lettre sur les aveugles à l'usage de ceux qui voient
72 - René – Louis, marquis d' Argenson
73 - honnête homme
74 - Yvon
75 - Morellet
76 - L'Esprit des Lois
77 - Paul – Joseph Barthez (1734 –1806)
78 - Théophile de Bordeu (1732–1776)
79 - Lavoisier
80 - Rouelle
81 - François Quesnay (1694 –1774)
82 - A. R. J. Turgot (1727–1781)
83 - John Harris
84 - Universal lexicon
85 - Johann Hinrich Zedler
86 - Lexicon technicum
87 - Samuel Taylor Coleridge
88 - Encyclopaedia Metropolitana
89 - Treatise on method
90 - Louis Shores

-
- 91 - H. G. Wells
 - 92 - Otto Neurath
 - 93 - Abraham Rees
 - 94 - The New cyclopaedia
 - 95 - Nouveau Larousse Illustré
 - 96 - L'Encyclopédie des gens du monde
 - 97 - L'Encyclopédie moderne
 - 98 - L'Encyclopédie du XIXe siècle
 - 99 - Le Grand Dictionnaire Universel du XIXe siècle
 - 100 - La Grande Encyclopédie
 - 101 - Marcelin Berthelot
 - 102 - Webster American Dictionary of the English Language
 - 103 - Der grosse Brockhaus
 - 104 - Nouveau Larousse Illustré
 - 105 - Larousse de XXe Siècle
 - 106 - Le Grand Larousse Encyclopedique
 - 107 - Le Grand Dictionnaire Encyclopédique Larousse
 - 108 - Grand Larousse Universel
 - 109 - Collier
 - 110 - Encyclopédie Française
 - 111 - L'Encyclopaédie Universalis
 - 112 - Grande Encyclopédie
 - 113 - Encyclopédie Française
 - 114 - Anatole de Monçaise
 - 115 - Gaston Berger
 - 116 - Encyclopédie de la Pléiade

- 117 - Raymond Queneau
- 118 - Encyclopédie française
- 119 - Eerste nederlandse systematische mgerichte encyclopadie
- 120 - Österreich Lexikon
- 121 - Crote Nederlandse Larousse Encyclopedie
- 122 - Kratka Baġgarska Enciklopedija
- 123 - Enciclopedia universal ilustrada europeo-americana d'Espasa
- 124 - Enciclopedia italiana
- 125 - Dictionario Salvat
- 126 - Enciclopedia labor
- 127 - Cran Enciclopedia Larousse
- 128 - Enciclopedia italiana
- 129 - Dizionario enciclopedia
- 130 - Enciclopedia Europe
- 131 - La Nuova Enciclopedia popolare de Gerolamo Boccardo
- 132 - Stefano Pagliani
- 133 - Enciclopedia italiana di scienze, letter ed arti
- 134 - Giovanni Treccani
- 135 - New International Encyclopaedia
- 136 - Encyclopedia Americana
- 137 - Frederick C. Beach
- 138 - The Random House Encyclopedia
- 139 - Coloropedia
- 140 - Alphapedia
- 141 - Grande Encyclopaedia Britanica, William
- 142 - The Encyclopaedia Britanica i or, A Dictionary of Arts and Sciences

-
- 143 - Warren E. Preece
144 - Propedia
145 - Macropaedia
146 - Micropedia
147 - Index
148 - Mortimer J. Adler
149 - Knowledge become self-conscious
150 - Meyer
151 - Huang-Lan
152 - Pien-Chu
153 - Ou-yang Hsün
154 - I-wen Lei-chü
155 - K'ang-hsi
156 - Pei-t'ang shu-ch'ao
157 - Ch'u-hsüeh chi
158 - Hsü chien
159 - T'ung-tien
160 - Tu ya
161 - Ma tuan-lin
162 - Li Fang
163 - Sung T'ai Tsung
164 - T'ai-p'ing yü-lan
165 - Cheng Ch'iao
166 - T'ung chih
167 - Yü-hai
168 - Wang ying lin

- 169 - Yung-lo ta-tien
- 170 - San ts'ai t'u-hui
- 171 - Wang ch'i
- 172 - Wang Ssu-i
- 173 - P'ei-wen yün-fu
- 174 - Yün fu shi I
- 175 - Pien-tzu lei-pien
- 176 - Ku chin t'u-shu
- 177 - Ch'en Meng-lei
- 178 - Wang Chi's Shih Wu Yüan hui
- 179 - Hsiao chih lu
- 180 - Lu Feng - tso's
- 181 - Ching Chuan
- 182 - Ch'en Wei
- 183 - Ch'i ming chi shu
- 184 - Ch'eng Lieh
- 185 - Chao-Ch'un
- 186 - Ssu Shu wu ching lei tien chi ch'eng
- 187 - Chiu T'ung T'ung
- 188 - Liu K'o -i
- 189 - Erh shih ssu shih chiu t'ung cheng tien lei yao ho pien
- 190 - Liu chin Tsao
- 191 - 'Tz'u - yüan
- 192 - Lu Erh - K'uei
- 193 - Edo
- 194 - Tokugawa

-
- 195 - Kojiruien
 - 196 - Nihon hyakka daijiten
 - 197 - Showa Tenno
 - 198 - Dai – hyakka
 - 199 - Kokumin – hyakka
 - 200 - Sekai – daihyakka
 - 201 - Japonica
 - 202 - Buritanika Kokusai Dai Hyakka Jiten
 - 203 - Pera liborum juvenilium
 - 204 - Johann Wagenseil
 - 205 - Petite Encyclopédie du jeune âge
 - 206 - Encyclopédie Larousse des enfants
 - 207 - Arthur Mee
 - 208 - The Children's Encyclopedia
 - 209 - The Book of Knowledge
 - 210 - I See All
 - 211 - The World Book Encyclopedia
 - 212 - Britanica Junior
 - 213 - Weedon's Modern Encyclopedia
 - 214 - Children's Britanica
 - 215 - John Armitage
 - 216 - Young Children's Encyclopedia
 - 217 - Frank E. Compton
 - 218 - Students Cyclopedia
 - 219 - Students Reference Work
 - 220 - Compton's Pictured Encyclopedia

221 - Compton's Young Children's Precyclopedia

222 - Oxford Junior Encyclopedia

223 - Internet

224 - Timelines

225 - Research Assistant

226 - Topic tours

227 - Analyst

228 - géomancie

229 - exorcisme

230 - Omoplatoscopie

231 - Palmomancie

232 - Optique

233 - Géométue

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۲
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. الهیات دانشنامه علایی. به تصحیح محمد معین. تهران: دهخدا، ۱۳۵۳
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. الهیات دانشنامه علایی (طبیعیات). به تصحیح م. مشکات. تهران: دهخدا، ۱۳۵۳
- افشار، ا. فرخ‌نامه جمالی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۶
- انوشه، حسن. دانشنامه ادب فارسی. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه، ۱۳۷۵ (ج ۳: ادب فارسی در افغانستان)
- انوشه، حسن. فرهنگنامه ادبی فارسی (گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی). به سرپرستی حسن انوشه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶ (ج ۲: دانشنامه ادب فارسی).
- البستانی، فؤاد افرام. دایرةالمعارف. ۱/ مقدمه
- بیرشک، احمد. گاهنامه تطبیقی سه‌هزار ساله. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ

فارسی، چاپ دوم، ۱۳۷۴

- تجلی پور، مهدی. دایرة المعارف موضوعی دانش بشر، ۱۳۴۳
- خوارزمی، محمد بن موسی. مفاتیح العلوم. به تصحیح وان فلوتن. لیدن: ۱۸۹۵
- دانش پڑوه، محمد تقی. [مصحح]. بحر الفوائد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵
- دانش پڑوه، محمد تقی. [مصحح]. یواقیت العلوم و دراری النجوم. تهران: چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴
- «دایرة المعارفها را بشناسیم». نشر دانش. سال اول، شماره ۵ - ۶، صص ۵۰ - ۶۰
- «دایرة المعارف و دایرة المعارف نویسان». پیام نوین، سال ۷، شماره ۱۰، صص ۷۱ - ۷۶
- دنیسری، محمد بن ایوب. نوادر التبادر لتحفة البهادر. به اهتمام ایرج افشار و محمد تقی دانش پڑوه. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰
- دورانت، ویل. تساریخ تمدن. ترجمه سهیل آذری، ویرایش دوم، جلد نهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۳
- رازی، شاهمردان ابن ابی الخیر. نزهت نامه علایی. به تصحیح ف. جهان پور. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲

- رفیعی، علی. «تاریخچه دایرةالمعارف نویسی در جهان». نامه شهیدی. به اهتمام علی اصغر محمدخانی. تهران: طرح نو. چاپ اول، ۱۳۷۴. صص ۶۵۰-۷۰۰
- رفیعی، علی. «نگاهی به فرهنگ نامه کودکان و نوجوانان». کلمه، شماره ۹-۱۰، صص ۱۰۲-۱۰۴
- ستوده، غلامرضا. مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۳. ص ۳۰۹
- سمینار کتاب و کتابداری. نشریه سمینار کتاب و کتابداری. دانشگاه مشهد، خرداد ۱۳۶۰
- شریف، میرمحمد. تاریخ فلسفه در اسلام. ترجمه نصرالله پورجوادی [و دیگران]. مرکز نشر دانشگاهی، جلد اول، ۱۳۶۲، جلد دوم ۱۳۶۵
- شمس الدین آملی، محمد بن محمود. نفایس الفنون فی عرائس العیون. تهران. کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۷ ق.
- شیرازی، قطب الدین. درة التاج لغرة الدیاج. به تصحیح م. مشکوة. تهران: مجلس، ۱۳۲۰-۱۳۱۷
- شیرازی، قطب الدین. درة التاج. حکمت، چاپ سوم، ۱۳۶۹
- طوسی، محمد بن محمود. عجائب المخلوقات. به تصحیح م. ستوده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵
- فارابی، محمد بن محمد. احصاء العلوم. ترجمه حسین خدیو جم. تهران: بنیاد

فرهنگ ایران، ۱۳۴۸

- فارابی، محمد بن محمد. احصاء العلوم. تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی،

۱۳۴۸

- فخر رازی، محمد بن عمر. جامع العلوم. به تصحیح م. تسبیحی. تهران:

اسلامی، ۱۳۴۶

- فخر رازی، محمد بن عمر. جامع العلوم. تهران: کتابخانه اسدی، ۱۳۴۶

- فخری، ماجد. سیر فلسفه در جهان اسلام. ترجمه نصراله پورجوادی

[و دیگران]. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲

- قلقشندی، احمد بن علی. صبح الاعشی. بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول،

۱۴۰۷ ق.

- محفوظ، حسینعلی. دوائرالمعارف و الموسوعات العربیة والشرقیة فی ۱۲ قرناً.

مجلةالمورد، مجلدالسادس. عددالرابع، ۳۴۱

- محقق، مهدی. «دانشنامه و دامنه و انواع آن در جهان اسلام». نامه شهیدی.

به اهتمام علی اصغر محمدخانی. تهران: طرح نو. چاپ اول. ۱۳۷۴.

صص ۷۶۹-۸۱۸

- مصاحب، غلامحسین. دایرةالمعارف فارسی. تهران: فرانکلین، ۱۳۵۶

- منزوی، احمد فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان. اسلام آباد:

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. ۱۳۷۵. ۸۰۳/۱-۸۴۲

- منزوی، احمد. فهرست نسخه های خطی فارسی. تهران: مؤسسه فرهنگی

منطقه ای. ۱۳۴۸

- نامه دانشوران ناصری. قم: دارالفکر. چاپ قدیم، ۱۳۲۴ ق.
- وسل، ژیوا. دایرةالمعارفهای فارسی: پژوهشی درباره نوع‌شناسی و طبقه‌بندی علوم. ترجمه محمدعلی امیر معزی. تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۸
- یار شاطر، احسان. دانشنامه ایران و اسلام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۵۴

- Ala's "Six Multivolume Adult Encyclopedias." Booklist 79 (7): 515-532 (December 1, 1982)
- Albert J. Walford (ed.), **Guide to Reference Material**, 4th ed., 1980
- **All There Is to Know:** Readings from the Illustrious Eleventh Edition of the Encyclopaedia Britannica/edited by Alexander Coleman and Charles Simmons. New York: Simon & Schuster, 1994.
- American Library Association. **Reference and Subscription Books.** Review Committee, Purchasing a General Encyclopedia, 1969
- **Booklist 77.** (14): 1049-1054 (March 15, 1981)
- **The Book of Knowledge;** the Children's Encyclopedia that Leads to Love of Learning. New York: Grolier Society, [1951]
- **The Cambridge Encyclopaedia**, Melbourn, Australia: Cambridge University Press, 1990
- **Collier's Encyclopaedia.** Toronto: P.F. Collier' & Son Ltd., 1991
- Collison, R. **Encyclopaedias: Their History Throughout The Ages,**

From 350 B.C. to The Present Day. New york/London, 1966

- **The Columbia Encyclopedia**/edited by Barbara A. Chernow and George A. Vallasi; Consultants, Peter J. Awn... [et al.]. Mifflin, Columbia University Press, 1993
- **The Concise Columbia Encyclopedia**. 3rd ed. New york, Columbia University Press, 1994
- **Dictionnaire Encyclopédique Quillet**. ed. Quillet. Paris: S.A. 1988
- **The Encyclopedia Americana**. CT: International ed. Grolier, 1994, 30 vols.
- **The Encyclopedia Americana**. Lifelong Education for Adults: An International Handbook/ edited by Colin J. Titmus. Oxford/New York: Pergamon, 1989.
- **Encyclopaedia Judaica**. Jerusalem, Keter Publishing House, [1972]
- **Encyclopaedia of the Future**. Selections The 21st Century/edited by George Thomas Kurian, Graham T.T. Molitor. New York: Macmillan Library Reference [1999]
- **The Everyday Reference Library**, Chicago: J.G. Ferguson Pub. Co., [1964]
- **Funk & Wagnalls Standard Reference Encyclopedia**. New York: Standard Reference Works Pub. Co., [1961]

- **General Encyclopedias in Print, 1973-74: A Comparative Analysis,** (1973).
- **The Kingfishre Children's Encyclopedia**/editor, John Paton. New York: Kingfishre Book, 1992.
- Kister, Kenneth. **Encyclopedia Buying Cuide**, 3rd ed. (1981)
- Kogan, Herman. **The Great EB**, (1958)
- **Merriam-Webster's Reader's Handbook.** Springfield, Mass.: Merriam-Webster, 1997.
- **Multimedia Encyclopaedia**, CT: Danbury Grolier Electronic Pub., 1995.
- Neel Cheney, Frances; Willams, Willeyj. **Fundamental Reference Sources.** 2nd ed., (1980).
- **The New Encyclopedia Britannica**, 15th ed. Chicago: 1993, 32 vols.
- Paret, R. **Etude Des Milieux Culturels Dans Le Proche Orient Médiéval: «L'Encyclopédisme»**, Arabo-Musulman De 850 À 950 De L'Ere Chrétienne, Revue Historique
- Pellat. Ch. **Les Encyclopédies Dans Le Monde Arabe.** Etudes Sur L'Histoire Socio-Culturelle De L'Islam, London, Variorum Reprints, 1976
- **Question & Answer Encyclopedia -- Why is it ? How things Work/**

- [authors, Neil Ardley ... et al.; artists, Bob Bampton... et al.]. New York: Simon and Schuster Books for young Readers, 1988
- Saxl, Fritz. “ **Illustrated Mediaeval Encyclopaedias.**” Vol. 1, pp. 228-254, and Vol. 2, plates 155-174, (1954 reprinted 1978).
 - **Standard American Encyclopedia.** International's World Reference Encyclopedia; New York: International Readers League, Periodical Publishers' Service Bureau, Inc. [1942]
 - Steinberg, Sigfridh. “ **Encyclopaedias** ”, Signature. New Series. no. 12. pp. 3-22 (1951).
 - “ **The Uses of Encyclopaedias: Past, Present, and Future,**” American Behavioral Scientist, 6:3-40 (1962)
 - Vesel, Ziva. **Les Encyclopédies Persanes.** Essai de Typologie et de Classification. Collection Mémoires. Paris: Institut Français de Recherche en Iran, 1986
 - Walsh, Pdraig. **Anglo-American General Encyclopedias,** (1968)
 - Zischka, Gerta. **Index Lexicorum: Bibliographie der Lexikalischen Nachschlagewerke,** (1959).

توضیحی درباره گاهشماری

از آنجا که تاریخها در این کتاب زیاد است و قرار دادن معادلهای تاریخی متعدد در کنار یکدیگر ممکن است رشته کلام را گسسته کند، رویدادهای ایرانی، فقط به هجری و رویدادهای فرنگی به میلادی ثبت شده است. اما برای سهولت تبدیل، جدول مطابقه تاریخها، برگرفته از گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، از انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی ارائه می شود.

۱ ژانویه	=	۱۱ دی	=	۱	=	۲۲ دسامبر	(۳۱ روز)
۱ فوریه	=	۱۲ بهمن	=	۱	=	۲۱ ژانویه	(۳۱ روز)
۱ مارس*	=	۱۰ اسفند	=	۱	=	۲۰ فوریه	(۲۸ یا ۲۹ روز)
۱ آوریل	=	۱۲ فروردین	=	۱	=	۲۱ مارس	(۳۱ روز)
۱ مه	=	۱۱ اردیبهشت	=	۱	=	۲۱ آوریل	(۳۰ روز)

۱ ژوئن	=	۱۱ خرداد	=	۱	=	۲۲ مه	(۳۱ روز)
۱ ژویه	=	۱۰ تیر	=	۱	=	۲۲ ژوئن	(۳۰ روز)
۱ اوت	=	۱۰ مرداد	=	۱	=	۲۳ ژویه	(۳۱ روز)
۱ سپتامبر	=	۱۰ شهریور	=	۱	=	۲۳ اوت	(۳۱ روز)
۱ اکتبر	=	۹ مهر	=	۱	=	۲۳ سپتامبر	(۳۰ روز)
۱ نوامبر	=	۱۰ آبان	=	۱	=	۲۳ اکتبر	(۳۱ روز)
۱ دسامبر	=	۱۰ آذر	=	۱	=	۲۲ نوامبر	(۳۰ روز)

رابطه بین سالهای ایرانی و میلادی

	سه ربع اول سال ایرانی	ربع آخر سال ایرانی
سالهای همعلامت	$S_i = S_m - ۶۲۱$	$S_i = S_m - ۶۲۲$
	$S_m = S_i + ۶۲۱$	$S_m = S_i + ۶۲۲$
سالهای با علائم مختلف	$S_i = S_m - ۶۲۲$	$S_i = S_m - ۶۲۳$
	$S_m = S_i + ۶۲۲$	$S_m = S_i + ۶۲۳$

S_i سال ایرانی و S_m سال میلادی است

* در سال میلادی کیبسه اول مارس مقارن ۱۱ اسفند است.



Ministry of Science, Research and Technology

The Great Persian Encyclopedia Foundation

ENCYCLOPEDIA

The Reflection of Macrocosm

*«An Analytical View to The Encyclopedism in Iran
and The World»*

M. Moshiri , PhD & N.G. Ghourchian, PhD

Tehran, 2000

